

بررسی اسنادی فعالیت آژانس یهود در ایران و پیامدهای اقتصادی آن در دوره پهلوی دوم

آسیه حسینی^۱

چکیده

آژانس یهود یکی از مهم‌ترین نهادهای صهیونیستی است که از آغاز قرن بیستم تاکنون نقش محوری در تسهیل مهاجرت یهودیان سراسر جهان به فلسطین و تقویت بنیان‌های اقتصادی و جمعیتی اسرائیل ایفا کرده است. این مقاله به بررسی نقش این سازمان در دوره پهلوی دوم می‌پردازد؛ دوره‌ای که با وجود نبود روابط رسمی دیپلماتیک میان ایران و اسرائیل، زمینه‌هایی برای فعالیت آژانس یهود در کشور فراهم بود. آژانس یهود با بهره‌گیری از شبکه‌های سیاسی، مذهبی و اقتصادی درون جامعه یهودیان ایران، توانست روند مهاجرت یهودیان ایرانی به سرزمین‌های اشغالی را به صورت منسجم و سازمان‌یافته هدایت کند. در این راستا، اقدامات این سازمان فقط محدود به تشویق مهاجرت نبود، بلکه شامل آماده‌سازی مقدمات مالی، صدور گذرنامه، ایجاد ارتباطات با دولت‌های واسطه، و حتی تسهیل در انتقال دارایی‌های خانوارهای مهاجر نیز می‌شد. مسئله اصلی در این پژوهش آن است که چگونه این نهاد بین‌المللی توانست مهاجرت یهودیان ایرانی و انتقال سرمایه‌های آنها به اسرائیل را هدایت کند و این روند چه پیامدهایی برای اقتصاد ایران به جا گذاشت؟

این مطالعه با روش تحلیل تاریخی و بر پایه اسناد آرشیوی و منابع تاریخی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت آژانس یهود، ضمن سازمان‌دهی مهاجرت جمعی یهودیان ایرانی، به خروج چشم‌گیر سرمایه‌های انسانی و مالی از ایران منجر شد. کاهش نیروی کار ماهر، خروج

۱. دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

Asiye.hosseini@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹ نوع مقاله: علمی - پژوهشی

سرمایه‌های تجاری و تضعیف برخی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق شهری از جمله پیامدهای ملموس این روند بود. در مقابل، آژانس یهود از این فرصت برای تقویت بنیان‌های اقتصادی اسرائیل، به‌ویژه در دهه‌های نخستین تأسیس آن، بهره‌برداری مؤثری کرد.

واژه‌های کلیدی: آژانس یهود، صهیونیسم، مهاجرت یهودیان، انتقال سرمایه، اقتصاد ایران، دوران پهلوی.

A Documentary Study of the Activities of the Jewish Agency in Iran and Its Economic Consequences during the Second Pahlavi Era

*Asiyeh hosseini*¹

Abstract

The Jewish Agency is one of the most significant Zionist institutions that has played a pivotal role since the early 20th century in facilitating Jewish migration to Palestine and strengthening the economic and demographic foundations of Israel. This article examines the role of this organization during the reign of Mohammad Reza Pahlavi, a period in which—despite the absence of formal diplomatic relations between Iran and Israel—conditions for the Jewish Agency’s activities in Iran were nevertheless available. By utilizing political, religious, and economic networks within the Iranian Jewish community, the Jewish Agency was able to systematically and cohesively guide the migration of Iranian Jews to the occupied territories. In this regard, the agency’s actions were not limited to merely encouraging migration; they also included financial preparations, passport issuance, establishing contacts with intermediary governments, and even facilitating the transfer of migrant families’ assets. The main question of this study is how this international organization was able to orchestrate the migration of Iranian Jews and the transfer of their capital to Israel, and what economic consequences this process had for Iran. This research adopts a historical-analytical method and is based on archival documents and historical sources. The findings reveal that the Jewish Agency’s activities, while organizing the mass migration of Iranian Jews, led to a significant outflow of human and financial capital from Iran. The reduction of skilled labor, withdrawal of commercial investments, and weakening of certain urban economic sectors were among the tangible consequences of this trend. Conversely, the Jewish Agency capitalized on this opportunity to reinforce the economic and industrial foundations of Israel, especially during its formative decades.

Keywords: Jewish Agency, Zionism, Jewish Migration, Capital Transfer, Iranian Economy, Pahlavi Era.

1 . Ph.D in History of the Islamic Revolution, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقدمه

از آغاز قرن بیستم، سازمان‌های صهیونیستی نقش مهمی در تشویق و تسهیل مهاجرت یهودیان به فلسطین و سرزمین‌های اشغالی ایفا کردند. در این میان، آژانس یهود^۱ یکی از مهم‌ترین نهادهای صهیونیستی، نقشی کلیدی در جذب، سازمان‌دهی و اسکان یهودیان مهاجر داشت. این سازمان نه تنها روند مهاجرت را تسهیل می‌کرد، بلکه از طریق جمع‌آوری کمک‌های مالی از جوامع یهودی در سراسر جهان، منابع لازم برای توسعه اقتصادی و شهرک‌سازی در اسرائیل را نیز تأمین می‌نمود. ایران یکی از کشورهایی بود که آژانس یهود در آن فعالیت گسترده‌ای داشت، به‌ویژه در دوران پهلوی که روابط غیررسمی ایران و اسرائیل، بستر مناسبی برای این اقدامات فراهم کرده بود. مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی) روندی شتابان به خود گرفت. برخلاف موج اولیه مهاجرت که عمدتاً شامل یهودیان فقیر و طبقات پایین جامعه می‌شد، در این دوره بسیاری از یهودیان ثروتمند، تجار، صاحبان صنایع و متخصصان نیز به اسرائیل مهاجرت کردند. این مهاجرت‌ها تأثیرات اقتصادی گسترده‌ای بر ایران داشت، چرا که بسیاری از مهاجران نه تنها سرمایه‌های مالی خود را به خارج از کشور منتقل کردند، بلکه شبکه‌های تجاری و اقتصادی آنها نیز به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. درعین حال، آژانس یهود از این سرمایه‌ها برای توسعه اقتصادی و شهرک‌سازی در اسرائیل بهره برد.

اهمیت این موضوع از آن‌روست که مهاجرت برنامه‌ریزی‌شده یهودیان، نه تنها موجب خروج بخشی از سرمایه انسانی و اقتصادی از ایران شد، بلکه در شکل‌گیری و تقویت بنیان‌های اقتصادی اسرائیل، به‌ویژه در سال‌های اولیه تأسیس آن، نقش مؤثری ایفا کرد. از سوی دیگر، این روند، با کاهش ظرفیت‌های تولیدی، تجاری و سرمایه‌گذاری در برخی حوزه‌های اقتصادی ایران، اثرات منفی پنهان و بلندمدتی بر اقتصاد کشور برجای گذاشت. بررسی تأثیرات اقتصادی خروج یهودیان ایرانی و سرمایه‌های آنان از کشور، مستلزم تحلیل اسناد

1. Jewish Agency for Israel

تاریخی و مطالعه سیاست‌های آژانس یهود در این دوره است. در این پژوهش، با استفاده از اسناد تاریخی و گزارش‌های آرشیوی، به بررسی نقش آژانس یهود در تسهیل این مهاجرت‌ها و تأثیرات آن بر اقتصاد ایران و اسرائیل پرداخته می‌شود.

۱. پیشینه و ادبیات تحقیق

مطالعه درباره حضور و نقش آژانس یهود و پیامدهای ناشی از مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین اشغالی، از جمله حوزه‌هایی است که تاکنون کمتر به صورت منسجم و جامع مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، چند پژوهش داخلی و خارجی، به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به این موضوع پرداخته‌اند. در میان پژوهش‌های غربی، می‌توان به اثر اشتنفلد^۱ اشاره کرد. وی در یکی از فصول کتاب خود به بررسی هویت و فرهنگ جوامع یهودی در ایران، به ویژه از دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۰، پرداخته و ضمن تحلیل فرایند مهاجرت به اسرائیل، تأثیر آن بر بازسازی هویت مهاجران را واکاوی کرده است. با این حال، تمرکز وی بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی مهاجرت است و به ساختارهای سازمانی مهاجرت یا نقش نهادهایی چون آژانس یهود کمتر پرداخته شده است. مقاله‌ای از جواد موسوی دالینی و آرش یوسفی^۲ با نگاهی جامعه‌شناختی به بررسی زمینه‌های داخلی و خارجی مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین پرداخته است. این مطالعه با وجود دقت در تحلیل علل مهاجرت، به صورت محدود به نقش نهادهای سازمانی بین‌المللی و پیامدهای اقتصادی می‌پردازد و تمرکز اصلی آن بر عوامل انگیزشی و ساختارهای اجتماعی است.

در فضای پژوهشی ایران، کتاب «نقش انگلستان در مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین: مطالعه موردی ۱۹۲۲» تألیف هدایت‌الله بهبودی، با تکیه بر اسناد تاریخی، نقش دولت

1. Lior B. Sternfeld, *Between Iran and Zion, Jewish Histories of Twentieth-Century Iran* (California: Stanford University Press, 2019)

2. Dalini, Javad Mousavi, and Arash Yousefi. "Exploring Push-Pull Factors Affecting Iranian Jews' Emigration to Palestine, 1925-1954: A Social History Approach." *Al-Jami'ah: Journal of Islamic Studies* 61.1 (2023): 181-208.

بریتانیا، رسانه‌های یهودی و شبکه‌های ارتباطی در تسهیل مهاجرت را بررسی می‌کند. با وجود بهره‌گیری از منابع مستند، این پژوهش بیشتر بر جنبه‌های سیاسی و دیپلماتیک مهاجرت در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم متمرکز است و بازه زمانی پژوهش حاضر را دربر نمی‌گیرد. همچنین پژوهش علی اصفهانی و اللهیاری بیگ با عنوان «مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین با تکیه بر دوره حکومت پهلوی اول»، با تمرکز بر عوامل مؤثر در مهاجرت، فاقد بررسی نقش مستقیم آژانس یهود و پیامدهای اقتصادی این مهاجرت‌ها در دوره پهلوی دوم است. در پژوهش دیگری، مرضیه یزدانی در کتاب «اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین (۱۳۰۰-۱۳۳۰)» با بهره‌گیری از اسناد آرشیوی، روند مهاجرت در دوران اولیه پهلوی را واکاوی کرده، اما ورود مستقیم سازمان‌های صهیونیستی و پیامدهای اقتصادی ناشی از خروج سرمایه‌ها و نیروهای انسانی را بررسی نکرده است. بنابراین با توجه به پیشینه محدود در این حوزه، ضرورت انجام پژوهشی جامع درباره نقش مستقیم آژانس یهود در ایران و تأثیر آن بر مهاجرت یهودیان ایرانی، به‌ویژه از منظر پیامدهای اقتصادی بر اساس اسناد، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. پژوهش حاضر در پی آن است که با بهره‌گیری از اسناد و مدارک موجود، این خلأ علمی را تا حدی پر نماید.

۲. تاریخچه سازمان صهیونیسم و آژانس یهود

در اواخر قرن نوزدهم، با افزایش فشارهای ضدیهودی در اروپا، ایده تشکیل دولت یهودی در فلسطین شکل گرفت و به جنبش صهیونیسم تبدیل شد. این حرکت با کنگره بال در ۱۲۷۶/۱۸۹۷ آغاز شد و با اعلامیه بالفور و تشکیل آژانس یهود در دهه ۱۹۲۰ به صورت نهادی رسمی به‌عنوان شاخه اجرایی جنبش صهیونیسم پا گرفت که زمینه‌ساز تأسیس اسرائیل شد. این کمیته سپس به آژانس یهود فلسطین تغییر نام داد و در سال ۱۹۲۲م فعالیت رسمی خود را آغاز کرد. آژانس یهود با حمایت انگلستان، تسهیلاتی برای مهاجرت یهودیان به فلسطین فراهم کرد و زمین‌های بایر را برای اقامت آنان آماده ساخت؛ در واقع به‌طور رسمی شریک دولت بریتانیا در ایجاد وطن ملی یهودیان گردید. در سال ۱۹۲۹م، اساسنامه آژانس در شانزدهمین کنفرانس جهانی صهیونیسم تنظیم شد و ساختار آن مشخص گردید.

طی سال‌ها، آژانس با کوشش‌های پیگیر سعی در گسترش نفوذ و قدرت خود داشت. پس از جنگ جهانی دوم، آژانس یهود با حمایت آمریکا و بهره‌گیری از منابع مالی یهودیان، فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه مهاجرت، توسعه اقتصادی و اشغال سرزمینی در فلسطین آغاز کرد. این سازمان با اجرای طرح‌های عمرانی و خرید یا تصرف اراضی، زیرساخت‌های استقرار جمعیت یهودی را گسترش داد. همچنین، در حوزه‌های نظامی و امنیتی نقش فعالی ایفا کرد؛ از جمله سازمان‌دهی نیروهای مسلح، قاچاق تسلیحات، سرکوب مخالفان و اعمال فشار بر جمعیت عرب منطقه به منظور تثبیت حضور صهیونیست‌ها (ملا ابراهیمی، ۱۳۸۶).

با تشکیل صندوق مالی «کرن هایسود»^۱ و گسترش ساختار آژانس، مشارکت سرمایه‌داران یهودی در طرح‌های مهاجرت و شهرک‌سازی تقویت شد. در سال ۱۹۷۱/۱۳۵۰، آژانس یهود و سازمان صهیونیسم به‌طور صوری از هم تفکیک شدند، اما با همان اهداف ادامه فعالیت دادند (Stock, 1972: 178-193). با این تفاوت که سازمان جهانی صهیونیسم وظیفه بسیج حمایت سیاسی و مالی یهودیان جهان را برای ایجاد دولت یهود در فلسطین برعهده داشت، درحالی‌که آژانس یهود بیشتر بر مهاجرت، اسکان و ایجاد زیرساخت‌ها در سرزمین فلسطین تمرکز داشت (Morris, 2008: 175). دیوید بن‌گوریون^۲ سازمان صهیونیسم را ابزاری موقت برای تحقق هدف نهایی خود، یعنی تأسیس دولت اسرائیل، می‌دانست. وی معتقد بود این سازمان می‌تواند همچنان نقشی اساسی در بسیج و سازمان‌دهی یهودیان جهان ایفا کند و به‌عنوان ابزاری کارآمد در جذب حمایت‌های سیاسی، مالی و انسانی برای دولت اسرائیل عمل نماید. در راستای این دیدگاه، کنست در سال

۱. به معنای «صندوق بنیاد» یک سازمان رسمی جمع‌آوری کمک‌های مالی برای اسرائیل است. کار این سازمان مطابق با قانون Keren haYesod-5716، تصویب‌شده توسط کنست در ژانویه ۱۹۵۶ انجام می‌شود و به سازمان وضعیت منحصر به فرد جمع‌آوری، کمک مالی می‌دهد. این یک شرکت ثبت‌شده در کشور اسرائیل است. کرن هایسود، یکی از سه «نهاد ملی» اسرائیل، با هماهنگی دولت اسرائیل و آژانس یهودی اسرائیل برای پیشبرد اولویت‌های ملی کشور اسرائیل کار می‌کند.

۲. دیوید بن‌گوریون از طراحان حکومت اسرائیلی در سرزمین فلسطین و اولین نخست‌وزیر آن (۱۳۲۷-۱۳۳۲ ش/ ۱۹۴۸-۱۹۵۳) بود.

۱۹۵۲ / ۱۳۳۱ قانونی تحت عنوان «قانون وضعیت»^۱ تصویب کرد که به طور رسمی جایگاه و وظایف سازمان صهیونیسم و آژانس یهود را در چارچوب نظام سیاسی و اجتماعی جدید اسرائیل تعریف و تثبیت نمود.^۲

این قانون، سازمان صهیونیسم را با اختیارات مشخص به رسمیت شناخت، اما نه به عنوان نماینده ملت یهود، بلکه به مثابه نهادی تابع دولت اسرائیل. بدین ترتیب، نقش نمایندگی از آن سلب و به ابزار اجرایی دولت اسرائیل تقلیل یافت. با وجود نقش تاریخی و مهم این سازمان در تأسیس اسرائیل، وظیفه اصلی آن طبق این قانون، گردآوری یهودیان تبعیدی و تسهیل مهاجرت آنان به اسرائیل تعیین شده است (المسیری، ۱۳۸۲: ۴۳). در واقع آژانس یهود به عنوان بازوی اجرایی کنگره جهانی صهیونیسم، طبق ماده چهارم سند قیمومت بریتانیا بر فلسطین (۱۹۲۲)، نهادی رسمی برای همکاری با دولت قیم در امور اقتصادی و اجتماعی جهت ایجاد «موطن ملی یهود» شناخته شد. این نهاد با ساختاری شبه دولتی، نمایندگان منتخب، و نهادهای نظامی، نقشی اساسی در تحولات سیاسی و اقتصادی فلسطین ایفا می کرد (Encyclopaedia Judaica, 1972: 862).

۳. تاریخچه فعالیت سازمان‌های صهیونیستی در ایران

با شکل‌گیری جنبش صهیونیسم در اواخر قرن نوزدهم و گسترش تدریجی آن در میان جوامع یهودی سراسر جهان، ایران نیز از این روند بی‌تأثیر نماند. هرچند جامعه یهودی ایران از لحاظ شمار نسبتاً کوچک بود، اما فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ای در جهت هم‌سویی با اهداف صهیونیسم جهانی، به‌ویژه از دهه دوم قرن بیستم به بعد، در این کشور مشاهده شد. این فعالیت‌ها عمدتاً در قالب ایجاد نهادهای فرهنگی، آموزشی و مالی صورت گرفت و در چارچوب سیاست‌های کلان آژانس یهود و سازمان جهانی صهیونیسم تعریف می‌شد.

1 . The Status Law

2 . WORLD ZIONIST ORGANISATION - JEWISH AGENCY (STATUS) LAW, 5713-1952

بررسی تاریخچه این فعالیت‌ها در ایران نه تنها بازتابی از تحولات جامعه یهودی ایران است، بلکه گویای تلاش جنبش صهیونیسم برای نفوذ در جوامع یهودی خاورمیانه و ایجاد پیوندهایی با پروژه مهاجرت به فلسطین محسوب می‌شود (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۴)

در سال ۱۹۱۸، «اتحادیه صهیونیستی یهودیان ایران» ایجاد شد و شعبی در شهرهای مختلف ایران افتتاح کرد. در سال ۱۹۱۹، اولین کنفرانس صهیونیستی یهودیان ایران در تهران برگزار شد که ریاست آن را عزیزالله نعیم بر عهده داشت و همه سازمان‌های صهیونیستی ایران در آن شرکت کردند (Husam Kassai, al-Karni, 2019: 19). جنبش صهیونیستی در ایران به‌طور فعال به تشکیل انجمن‌های تأثیرگذار صهیونیستی در میان جوانان اقلیت یهودی ایران برای جمع‌آوری کمک‌های مالی، یاری‌رساندن به نهادهای صهیونیستی در خرید زمین‌های فلسطینی، گسترش زبان و ادبیات عبری و انتشار نشریات آموزشی و مجلات پرداخت (Ettinger, 1995: 119-120). در چارچوب فعالیت‌های صهیونیستی در ایران، انجمن‌ها و نهادهای مرتبط نقش فعالی در ترویج ملی‌گرایی یهودی ایفا می‌کردند. این اقدامات شامل آموزش زبان عبری نوین، تشویق مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین، و همچنین جمع‌آوری کمک‌های مالی برای حمایت از طرح‌های استعماری، اسکان و توسعه جامعه یهودی در سرزمین فلسطین بود. انجمن‌های صهیونیستی در ایران به‌ویژه در حمایت مالی از یهودیان مهاجر ایرانی، چه آنانی که پیش‌تر به فلسطین رفته بودند و چه آنهایی که در آستانه مهاجرت بودند، تلاش گسترده‌ای داشتند. این فعالیت‌ها بخشی از سیاست کلان صهیونیسم جهانی برای جذب یهودیان جوامع مختلف، از جمله ایران، به پروژه ملت‌سازی یهودی در فلسطین محسوب می‌شد (Netzer, 1988: 98-104).

طبق اسناد موجود ساواک، آژانس یهود در سال ۱۳۲۶ش/۱۹۴۷م، یعنی یک سال قبل از اعلام تأسیس اسرائیل، در ایران تشکیل و موجودیت آن اعلام شد. بی‌شک، تشویق، ترغیب، تطمیع و در نهایت جذب و جلب یهودی‌ها و سپس انتقال آنها به سرزمین‌های اشغالی از مأموریت‌های اصلی آژانس یهود در ایران عصر پهلوی بود (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۴). آژانس یهود به‌طور رسمی با هدف کمک به

پناهندگان یهودی لهستانی، شاخه‌ای در تهران راه‌اندازی کرد (Yishai, 1950: 7-22). این اقدام زمینه‌ساز ارتباط گسترده‌تر یهودیان ایرانی با کارکنان آژانس و همچنین سربازان یهودی حاضر در نیروهای متفقین شد. این تعاملات موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و تقویت فعالیت‌های اجتماعی جامعه یهودی ایران گردید. در همین راستا، بسیاری از یهودیان ایرانی به «فرزندان تهران» و دیگر پناهندگان یهودی از روسیه و لهستان، که در مسیر مهاجرت به فلسطین بودند، یاری رساندند (Netzer, 1996: 139).

۴. یهودیان ایران در دوره پهلوی

پیام صهیونیسم سیاسی برای اولین بار در سال ۱۹۱۷، پس از اعلامیه بالفور که از سرزمین مادری یهودیان حمایت می‌کرد، بر یهودیان ایرانی طنین‌انداز شد (Levi 1999, 510). این اعلامیه از ایجاد یک وطن یهودی حمایت می‌کرد. در پی این تحول، یهودیان ایران انجمن‌های صهیونیستی تأسیس کردند تا زبان عبری را آموزش دهند و مقدمات یک مهاجرت گسترده را فراهم سازند. (Sarbakshian, Sternfeld, Vahidmanesh, 2022:5) در پی ناامیدی از نتایج انقلاب مشروطه، برخی یهودیان ایرانی به تأسیس انجمن‌های صهیونیستی برای آموزش عبری و آمادگی مهاجرت به فلسطین روی آوردند، اما با به‌قدرت‌رسیدن رضاشاه در ۱۳۰۴، با لغو قوانین تبعیض‌آمیز، یهودیان به حقوق برابر دست یافتند و بسیاری از مهاجرت صرف‌نظر کردند. با این حال، فعالیت‌های صهیونیستی به شکل محدود و عمدتاً زیرزمینی ادامه یافت. (Yaghoubian, Sternfeld, 2021 : 141).

جامعه یهودی در دوران پهلوی دوم، نسبت به گذشته پیشرفت زیادی کرد. بسیاری از یهودیان به مقامات ارشد بوروکراتیک، صنعتگران و تاجران تبدیل شدند، ثروت زیادی کسب کردند و در مسیر ترقی اجتماعی گام برداشتند. آنها در دانشگاه‌ها و سازمان‌های حرفه‌ای حضور چشمگیری داشتند و توانستند باورهای دینی خود را به‌طور آشکار دنبال کنند. همچنین، بسیاری از مؤسسات اجتماعی مانند مدارس، کنیسه‌ها، روزنامه‌ها و بیمارستان‌ها را حفظ کردند. دیوید مناشری، پژوهشگر برجسته در زمینه ایران و یهودیت ایرانی، می‌گوید: «یهودیان در میان دانشجویان و هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، پزشکان و دیگر

متخصصان، حضوری برجسته داشتند. اگرچه افرادی با درآمد پایین هم در میان آنها بودند، اما اکثریتشان را می توان جزو طبقه متوسط یا طبقه متوسط رو به بالا دانست. برخی از آنها به شدت ثروتمند شدند و از آزادی‌هایی که به آنها داده شد، بهره‌برداری کردند تا برنامه‌ها و درآمد‌های نفتی روبه‌رشد را به نفع خود اصلاح کنند.» (سرشار، ۱۳۸۴: ۳۶۵). دیوید سیتون در تحقیقات خود در سال ۱۹۸۵ / ۱۳۶۴، ارقام قابل‌قبولی ارائه کرد که بعدها بارها تکرار شدند: در سال ۱۹۷۹، ۲ نفر از ۱۸ عضو آکادمی سلطنتی علوم، ۸۰ نفر از ۴۰۰۰ مدرس دانشگاه و ۶۰۰ نفر از ۱۰۰۰۰ پزشک در ایران یهودی بودند. اکثریت قریب به اتفاق یهودیان طبقه متوسط بودند، ۱۰ درصد ثروتمند و ۱۰ درصد دیگر فقیر. (Sternfeld, 2014: 858). آمارهای کمیته مرکزی جامعه یهودیان ایران تخمین زده است که جمعیت یهودیان ایران در سال ۱۸۷۳ / ۱۲۵۱ حدود ۴۰،۰۰۰ نفر بوده است. بر این اساس، ۳،۰۰۰ یهودی در تهران، ۳،۰۰۰ نفر در همدان، ۳،۰۰۰ نفر در شیراز، ۲،۴۰۰ نفر در اصفهان، ۱،۵۰۰ نفر در کاشان، ۱،۲۰۰ نفر در ارومیه و ۶۰۰ نفر در کرمانشاه زندگی می‌کردند. بر اساس تخمین‌های انجام‌شده در سال ۱۹۰۰، حدود ۵۰،۰۰۰ یهودی در شهرهایی مانند یزد، شیراز، تهران، اصفهان و همدان زندگی می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۶).

۵. روابط ایران و اسرائیل

مبدأ روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و اسرائیل را می‌توان اندکی قبل از تأسیس کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸ دانست. یک سال قبل، در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به طرح تقسیم فلسطین رأی مثبت داد. هدف از این تقسیم ایجاد دو کشور - دولت یهودی اسرائیل و دولت عرب فلسطین در سرزمین فلسطین تحت قیمومیت بریتانیا - بود. ایران به‌عنوان عضوی از کمیته ویژه فلسطین، با این تقسیم مخالفت و استدلال کرد که تقسیم فلسطین مشکلات آتی را در منطقه ایجاد خواهد کرد. هیئت ایرانی در سازمان ملل متحد از طرح دیگری یعنی تشکیل یک فدراسیون حمایت کرد (Bahgat, 2006: 13). رئیس هیئت، «مصطفی عدل»، ادعا کرد که ایرانیان موضع خود را علیه جمعیت یهودیان اتخاذ نکرده‌اند، بلکه صرفاً می‌خواهند جمعیت فلسطین حق تعیین سرنوشت خود را همان-

طور که در منشور ملل متحد ذکر شده است، داشته باشد (Patten, 2013: 5). علاوه بر این، ایران ادعا کرد که اگر اکثریت جمعیت فلسطین نیز از تقسیم حمایت کنند، ایرانیان نیز از آن حمایت خواهند کرد. به همین ترتیب، محمدرضا پهلوی، شاه ایران، تأکید کرد که از تقسیم حمایت نمی‌کند و اظهار داشت که این راه‌حل منجر به درگیری‌های آینده بین اعراب و یهودیان خواهد شد (Parsi, 2007: 20).

به تدریج، واقعیت‌های سیاسی باعث شد تا حدی تماس بین اسرائیل و ایران برقرار شود. در جریان جنگ ۱۳۲۷/۱۹۴۸، برخی از ساکنان ایرانی فلسطین از کشور گریختند و اموال آنها، مانند اعراب که آنجا را ترک کرده بودند، تحت بازداشت دولت قرار گرفت. این آوارگان ایرانی از تهران خواستند که از طرف آنها برای بازخرید اموالشان مداخله کند (Gilad, 2002: 300; Bialer, 1985: 251-52). در واقع روابط ایران و اسرائیل بر اساس «دکترین پیرامونی» دیوید بن‌گوریون شکل گرفت که هدف آن همکاری با کشورهای غیرعرب و غیرمسلمان در خاورمیانه بود تا از تهدیدات جهان عرب به رهبری جمال عبدالناصر جلوگیری شود. ایران تحت حکومت محمدرضا شاه جایگاه ویژه‌ای در این دکترین داشت، چراکه منافع ژئوپلیتیکی مشترکی با اسرائیل داشت؛ از جمله مقابله با پان‌عربیسم و ترس مشترک از نفوذ اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه (Alpher, 2015: 3-9). این ملاحظات ژئوپلیتیکی با نیاز شدید اسرائیل به منابع انرژی از یک سو، و تمایل ایران به گسترش صادرات نفت خود از سوی دیگر، تقویت می‌شد (Bialer, 2007: 29-67).

تماس‌های اولیه اسرائیل با ایران وابسته به فعالیت‌های آژانس یهود، موساد و وزارت امور خارجه اسرائیل بود که با جامعه یهودیان ایرانی در ایران و اسرائیل همکاری داشتند. تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی تردید داشتند که آیا ایران آماده است روابطی با اسرائیل برقرار کند و این اقدام ممکن است باعث واکنش منفی کشورهای عربی شود. ایران ترجیح می‌داد اسرائیل با کشورهای ضدعرب متحد نشود تا از برهم‌زدن احتمالات صلح با کشورهای عربی جلوگیری کند. مسئله به رسمیت شناختن اسرائیل برای تسهیل مهاجرت یهودیان عراقی و ایرانی به اسرائیل اهمیت داشت. ایران دلایل استراتژیک مختلفی برای این اقدام داشت، از جمله مسائل با کشورهای عربی، منافع مالی در اسرائیل، و وابستگی به ایالات متحده برای

حفظ خود در برابر تهدیدات شوروی (Bialer, 1985: 299). شاه همچنین همکاری با اسرائیل را از یک سو در جهت تقویت جایگاه ایران در واشنگتن سودمند می‌دانست (Menashri, 2013: 111). از سوی دیگر آن را سکوی پرتابی برای تبدیل ایران به کشوری مدرن، پیشرفته و فناورانه قلمداد می‌کرد. (Karsh, 2013. 107-122) از این رو، او حضور گسترده مشاوران، مریبان و پیمانکاران اسرائیلی را در حوزه‌های گوناگون در ایران تشویق می‌کرد؛ از امور نظامی و امنیتی گرفته تا پروژه‌های مهندسی و عمرانی، حمایت‌های کشاورزی، و بهره‌برداری از منابع آب (Parsi, 2007: 23-24).

۶. مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل

مهاجرت یهودیان به اسرائیل (علیا/ Aliyah)^۱ سابقه‌ای طولانی دارد و از اواخر قرن ۱۹ آغاز شد. در ایران، نخستین تلاش‌ها با تأسیس مدارس آلیانس در دوره ناصرالدین‌شاه برای تشویق مهاجرت صورت گرفت. در دوره رضاخان و تحت فشار بریتانیا، زمینه مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین فراهم‌تر شد. هرچند دولت ایران موضعی منفعل داشت، آژانس یهود توانست به‌طور غیرمستقیم این روند را تقویت کند. با آغاز جنگ جهانی دوم، مهاجرت یهودیان اروپایی به فلسطین افزایش یافت و ایران به مسیر ترانزیتی برای این مهاجرت‌ها تبدیل شد، که در نتیجه آن، مهاجرت یهودیان ایرانی نیز شدت گرفت (یزدانی، ۱۳۷۵: ۴۱). از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۸ / ۱۲۹۶-۱۳۲۷، اعلامیه بالفور که اعلامیه همدردی بریتانیا با آرمان‌های صهیونیستی بود، فصل جدیدی را در تاریخ مهاجرت یهودیان از ایران به فلسطین رقم زد. مانند بسیاری از جوامع یهودی دیگر در سراسر جهان، اعلامیه اخیر به‌زودی آرزوهای ملی و مذهبی را در میان یهودیان ایران برانگیخت و منجر به تأسیس انجمن‌های صهیونیستی، ابتدا در تهران در سال ۱۹۱۸ / ۱۲۹۷ ش و پس از آن در دیگر جوامع بزرگ یهودی ایران شد (Mizrahi, 1959: 584).

۱. «علیاه» به معنای ادامه مهاجرت یهودیان به اسرائیل است. واژه «علیاه» به هجرت یا مهاجرت یهودیان از کشورهای مختلف به سرزمین اسرائیل اشاره دارد، که به عنوان یک اصل در تاریخ‌نگاری و سیاست اسرائیل شناخته می‌شود. (Shaoulian, 2017: 134).

بدون شک، موفقیت رژیم صهیونیستی در جذب نیروی انسانی و تشکیل دولت و نیروی نظامی، به‌ویژه در مراحل ابتدایی، بدون هماهنگی و ارتباط نزدیک رژیم پهلوی با صهیونیسم بین‌الملل غیرممکن بود. این همکاری‌ها امکان‌پذیر ساختن اهداف صهیونیستی را فراهم کرد و کمک‌های ایران در زمینه‌های مختلف، اعم از تسهیل مهاجرت یهودیان و فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد پروژه‌های صهیونیستی داشت (فردوست، ۱۳۸۹: ۵۵۲). در دوره‌ای حتی برای حل مشکل مهاجرت عراقی‌ها، توافق شد که بین رئیس فدراسیون صهیونیستی ایران و صهیون عزری، پسرش، مئیر عزری،^۱ با سرهنگ حاج علی کیا، فرمانده پلیس مرزی ایران ملاقات کند. در ملاقات آنها با کیا، صهیون و مئیر عزری به تفاوت‌های میان مقامات «ظالم» عراقی و حکومت «انسانی، روشنفکر و مهمان‌نواز» ایران اشاره کردند (Ezri, 2011: 62).

از اواخر قرن نوزدهم که مهاجرت صهیونیست‌ها به فلسطین آغاز شد و آژانس یهود نقش اساسی را در انتقال یهودیان از نقاط مختلف جهان به فلسطین ایفا می‌کرد، دولت و دربار پهلوی نیز از همان ابتدا نهایت همکاری را برای انتقال یهودیان ایران به فلسطین داشت (یزدانی، ۱۳۷۵: ۲۵). تا سال ۱۹۳۵، مهاجرت یهودیان ایرانی به فلسطین به پدیده‌ای مکرر تبدیل شده بود، به‌گونه‌ای که امین الحسینی، مفتی و رهبر ملی‌گرای فلسطینی، نامه‌ای به کنسولگری ایران در فلسطین نوشت. وی ضمن قدردانی از باقر کاظمی، وزیر امور خارجه وقت ایران، که از حقوق فلسطینیان در جامعه ملل دفاع کرده بود، به مشکل مهاجرت یهودیان ایرانی پرداخت که نتیجه تشویق‌ها و تلاش‌های جوامع صهیونیستی بود و از دولت سلطنتی ایران خواست تا از مهاجرت یهودیان ایرانی جلوگیری کند (Mousavi Dalini &

۱. مئیر عزری، یهودی ایرانی متولد اصفهان، از چهره‌های مهم در روابط ایران و اسرائیل پیش از انقلاب بود. او از میانه دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ به‌عنوان نماینده غیررسمی اسرائیل در ایران فعالیت داشت. پس از مهاجرت به اسرائیل، مسئول رسیدگی به امور ایرانی‌تبارها در حزب می‌ای شد و با نهادهایی چون آژانس یهود همکاری کرد. عزری در خاطراتش از تلاش برای تسهیل مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل، جمع‌آوری کمک‌های مالی، و نفوذ قابل‌توجه آژانس یهود در ایران سخن می‌گوید. او با حمایت چهره‌هایی چون لطف‌الله حبیب موفق شد آژانس را در ایران به نهادی رسمی و بانفوذ تبدیل کند. خاطرات عزری تصویری روشن از روابط پنهان اسرائیل با حکومت پهلوی و نقش فعال جامعه یهودی در این زمینه ارائه می‌دهد.

(Yousefim, 2023: 191) در پاسخ به چنین سیاست‌های ضدصهیونیستی تحت رهبری اعراب، یهودیان کمپین‌هایی را برای جذب مهاجران بیشتر آغاز کردند. بن زوی، رئیس جامعه یهودیان در فلسطین، مقاله‌ای در داور، روزنامه‌ای عبری زبان منتشر شده در تل‌آویو، نوشت که آینده یهودیان ایران در هاله‌ای از ابهام است و باید آنها را در تأسیس دولت یهودی سهیم نمود. او تأکید کرد که یهودیان ایرانی باید مهاجرت کنند، اما دولت ایران مانع آن می‌شود و آنها به کمک برادران خود در فلسطین نیاز دارند.

طبق سندی از وزارت امور خارجه ایران، دو سال پس از تأسیس دولت اسرائیل، مقامات یهودی برنامه‌های گسترده‌ای را برای مهاجرت یهودیان از شمال آفریقا و ایران به فلسطین آغاز کردند. طبق این طرح، قرار بود نود هزار یهودی از آفریقا و نه هزار یهودی از ایران (به‌ویژه از مناطق کردنشین) ظرف سه ماه به اسرائیل مهاجرت کنند. در این دوره، اسرائیل سیاست‌های مهاجرتی جدیدی را به‌طور جدی پیگیری می‌کرد. عوامل مختلفی چون ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی داخلی باعث افزایش مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل شدند (همان: ۱۹۳-۱۹۸).

در سال‌های آغازین پس از تأسیس اسرائیل (۱۹۴۸-۱۹۵۴)، این کشور با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی سوسیالیستی و ریاضتی، به جذب نیروی کار یهودی، از جمله مهاجران ایرانی، روی آورد. اهداف اصلی در این دوره شامل تشکیل ارتش مدرن، جذب مهاجران، و ایجاد نهادهای اجتماعی و اقتصادی بود (فضل‌النائب، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۷). به همین سبب تعداد قابل‌توجهی از خانواده‌ها و افراد ایرانی، به‌ویژه از میان تجار و بازرگانان شهرهایی چون مشهد، همدان، تهران، یزد، اصفهان و بوشهر، در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی (دهه‌های سوم و چهارم قرن بیستم) به فلسطین، به‌ویژه شهر اورشلیم، مهاجرت کردند. این گروه‌ها عمدتاً از تمکن مالی برخوردار بودند و توانستند با بهره‌گیری از منابع اقتصادی خود، نقش مهمی در تثبیت و توسعه اجتماعات یهودی مهاجر در آن منطقه ایفا کنند. (Levy, 1976: 18-19) یهودیان مشهد که شمارشان در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶ به حدود ۱۰۰۰ نفر و در سال ۱۳۲۷/۱۹۴۸ به ۱۲۰۰ نفر می‌رسید بعد از تشکیل دولت مهاجر در ایران، سازمان‌یافته‌ترین و مرفه‌ترین دولت اسرائیل را تشکیل می‌دادند. آنها تحت رهبری رهبران

اجتماعی و بازرگانان مرفهی که در تجارت بین‌المللی (عمدتاً در قالی، سنگ‌های قیمتی و امور مالی) مشغول بودند، یک جامعهٔ نزدیک به هم را تشکیل دادند (Mizrah, 1949: 11).

در ۱۳۲۹ / ۱۹۵۰، سیمئون، یکی از روحانیون بزرگ یهودی، به تهران نقل مکان کرده بود تا سفر سایر یهودیان را تسهیل کند. در سال ۱۹۵۱، یک سال بعد، زمانی که مهاجرت به اوج خود رسیده بود، روزنامهٔ جروزالم پست بیانیهٔ موسی برال^۱ در مورد وضعیت یهودیان را منتشر کرد. این بیانیه حاکی از آن بود که در آن زمان ۷۰ هزار یهودی در ایران زندگی می‌کردند که ۱۰ هزار نفر از آنها مایل به مهاجرت به اسرائیل در سال ۱۹۵۱ بودند. این افراد در یک اردوگاه در تهران مستقر بودند و از مؤسسات یهودی مستقر در فرانسه و ایالات متحده کمک معیشتی دریافت می‌کردند. از ۷۰ هزار یهودی، ۱۰ نفر میلیونر، ۱۰۰۰ نفر بسیار ثروتمند و ۵۰۰۰ نفر ثروتمند بودند. همهٔ این افراد به‌عنوان «تاجر» شناخته می‌شدند (Yeroushalmi, 1995: 203). مطابق آمار رسمی و اسناد از سال ۱۹۴۸ تا ۱۳۳۳-۱۳۲۷ ش، حدود ۲۱ هزار و ۲۷۴ یهودی ایرانی از ایران به اسرائیل مهاجرت کردند. در سال ۱۳۲۸ / ۱۹۴۹، یعنی یک سال پس از تأسیس اسرائیل، سازمان گذرنامه و ملیت ایران گزارش داد که تعداد درخواست‌های گذرنامهٔ تکمیل شده توسط یهودیان به ۳۰-۴۰ هزار مورد رسیده است که بعدها این تعداد به ۵۰-۶۰ هزار مورد افزایش یافت. در این سال‌ها، بخش زیادی از مهاجران یهودی ایرانی در مزارع اشتراکی اسرائیل به نام «کیبوتص» مستقر و در آنجا به فعالیت مشغول شدند (Mousavi Dalini & Yousefi, 2023: 198).

اگرچه روند مهاجرت به فلسطین/اسرائیل سال‌ها قبل از تأسیس دولت اسرائیل توسط آژانس یهود هدایت می‌شد، ولی جریان مهاجرت پس از تأسیس دولت و تشکیل وزارت مهاجرت^۲ سازمان‌دهی شد (Geva and Dean, 1998: 697).

۱. موسی برال (۱۲۹۰ تهران-۱۳۷۸) پزشک، استاد دانشگاه تهران و نماینده کلیمیان در مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بود.

۲. بعدها وزارت علیه و ادغام نامیده شد.

۷. همکاری حکومت پهلوی با آژانس یهود

اگرچه بر اساس اسناد تاریخی، تأسیس شعبه آژانس یهود در ایران به‌طور رسمی، به سال ۱۳۲۶/ ۱۹۴۷ بازمی‌گردد؛ اما بر اساس روایت افرات شائولیان-سوفر، نوه مئیر عزری، آغاز روابط ایران با آژانس یهود به سال ۱۹۲۲ بازمی‌گشت، زمانی که ایران به منشور این نهاد پیوسته و متعهد به همکاری با آن شده بود. این پیوند، زمینه‌ساز استمرار ارتباطات غیررسمی میان تهران و تل‌آویو شد و اطمینان خاطر اسرائیل را نسبت به ثبات این مناسبات فراهم ساخت. کنسولگری ایران در استانبول همچنان برای اعضای آژانس یهود، بازرگانان و خبرنگاران ویزا صادر می‌کرد و مسیر مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی ادامه داشت (Shaoulian, 2017: 133). این نهاد صهیونیستی، با اطلاع و موافقت حکومت پهلوی، آزادانه و بدون محدودیت در مناطق یهودی‌نشین کشور فعالیت می‌کرد. آژانس یهود به‌طور مستقل و در چارچوب سیاست‌های خود، اقدام به جذب و سازمان‌دهی مهاجرت یهودیان ایران و برخی کشورهای همسایه به اسرائیل می‌نمود. این فعالیت‌ها از طریق نفوذ گسترده‌ای که در انجمن‌ها، کانون‌ها و نهادهای یهودی و صهیونیستی داخل ایران داشت، صورت می‌گرفت. بسیاری از این نهادها عملاً در راستای اهداف آژانس یهود عمل می‌کردند و برنامه‌های آن را در دستور کار خود قرار داده بودند. شواهد موجود نشان می‌دهد که حتی پیش از حضور رسمی آژانس در ایران، برخی افراد و گروه‌ها به نمایندگی از این سازمان، مأموریت پیگیری اهداف صهیونیستی را برعهده داشتند (احمدی، ۱۳۸۱: ۴۰۰).

دولت ایران در همکاری با آژانس یهود تلاش می‌کرد تا شرایط و تسهیلات مناسبی برای مهاجرت یهودیان به فلسطین فراهم کند. به‌دلیل سیاست مساعد ایران و جو رأفت، تساهل و تحمل نسبت به یهودیان، ایران به گزینه‌ای مهم برای یهودیان عراق تبدیل شد. در نتیجه، ایران به یکی از مسیرهای اصلی خروج یهودیان، به‌ویژه از عراق، بدل گشت. در این فرآیند، بخشی از یهودیان فراری در ایران ماندند و شبکه‌ای حمایتی برای دولت جدید یهود تشکیل

دادند^۱ (ملکی، ۱۳۷۸: ۱۰۷۷) بنابراین شروع فعالیت‌های آژانس یهود در سطح بین‌المللی برای اسکان یهودیان در سرزمین فلسطین و شدت گرفتن فعالیت‌های این آژانس در ایران، در مقابل سکوت ضمنی و رضایت‌آمیز دولت ایران نسبت به این روند، نکته‌ای مهم است (علی اصفهانی و اللهیاری بیگ، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

اسرائیل با بهره‌گیری از ارتباطات غیررسمی میان مأموران موساد، مقامات آژانس یهود و برخی مسئولان ایرانی، توانست نوعی شناسایی دوفاکتو از سوی ایران به دست آورد و مسیر مهاجرت یهودیان (عملیات علیاه) را از طریق ایران هموار سازد. این همکاری غیررسمی، بخشی از راهبرد اسرائیل برای تقویت جمعیت یهودی خود از طریق مهاجرت هدفمند بود (Shaoulian, 2017: 129). به طوری که در مجموع، بین سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱، حدود ۳۰'۰۰۰ یهودی ایرانی مستقیماً به اسرائیل مهاجرت کردند. در همین بازه زمانی، حدود ۴۷'۰۰۰ یهودی عراقی نیز به دلیل شرایط نامساعد در عراق و پس از تأسیس کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸، از طریق ایران به اسرائیل پناهنده شدند (Jones, 2013: 79). این مهاجرت‌ها بخشی از موج بزرگ‌تر مهاجرت یهودیان از کشورهای مختلف به اسرائیل پس از تشکیل این کشور بود (Bialer, 2013: 79).

۸. فعالیت‌های آژانس یهود در ایران

آژانس یهود در ایران به‌طور گسترده‌ای فعالیت‌هایی را در زمینه‌های مختلف، از جمله مهاجرت یهودیان به فلسطین، به‌ویژه میان نسل جوان آغاز کرد. «موشه یشای» به‌عنوان نماینده رسمی آژانس یهود در تهران، ارتباطات زیادی با مقامات بلندپایه ایران از جمله حسین علاء و محمدرضا پهلوی داشت که نشان‌دهنده به رسمیت شناخته شدن این نهاد توسط رژیم پهلوی بود. پیش از او، «ناهوم هرتسبرگ» مسئول شعبه آژانس یهود در تهران بود. این نهاد فعالیت‌هایی فراتر از مهاجرت داشت و در زمینه‌های فرهنگی، تبلیغاتی و

۱. گفته می‌شود که با اعدام یک تاجر معتبر یهودی در عراق، خروج اکثریت جامعه یودیان از این کشور شدت گرفت و حدود ۱۲۰ هزار یهودی عراقی بین سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۲/۱۳۲۷-۱۳۳۱، به اسرائیل مهاجرت کردند که عمده‌ی این مهاجرت‌ها از طریق ایران صورت می‌گرفت.

آموزشی میان یهودیان ایران به‌ویژه جوانان، از جمله تدریس زبان عبری، تاریخ اسرائیل، و ترویج افکار صهیونیستی، فعال بود. همچنین، آژانس یهود به‌طور نظام‌مند جوانان را برای مهاجرت به فلسطین آماده می‌کرد. این برنامه‌ها با همکاری سازمان‌های یهودی داخلی و حمایت رسمی از جانب حکومت پهلوی عملی شد (تقی‌پور، ۱۳۹۰: ۶۹ - ۷۰). آژانس یهود در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در ایران نقش گسترده‌ای ایفا کرد و علاوه بر مسئولیت‌های مهاجرتی، به‌عنوان یک مرکز اطلاعاتی و کنسولگری غیررسمی عمل می‌کرد. این نهاد با ترکیب پرسنل اسرائیلی و ایرانی و ارتباط مستقیم با نهادهای دولتی مانند شهربانی، گمرک، وزارت خارجه و ساواک، نفوذ زیادی در ایران داشت. آژانس یهود همچنین در پروژه‌های ژئوپلیتیکی اسرائیل برای جذب یهودیان از کشورهای مسلمان و تخلیه منطقه از آنان نقش داشت و از منابع مالی مانند طلا برای تأمین هزینه‌های خود بهره می‌برد (سازمان‌های یهودی و صهیونیستی در ایران، ۱۳۸۴: ۱۳۳ - ۱۳۴).

سندی در کتاب سپهد مهدیقلی علوی مقدم به روایت اسناد ساواک از همکاری آژانس یهود با شهربانی کل کشور (۴ اردیبهشت ۱۳۳۸)؛ و دیدار محرمانه میان رئیس شهربانی کل کشور، تیمسار علوی مقدم، و چند تن از اعضای آژانس یهود (از جمله یحیی زهت) حکایت دارد. هدف این دیدار، جلب همکاری آژانس در شناسایی و دستگیری یهودیانی بود که به کلاهبرداری مشغول بوده یا سرمایه‌های خود را از ایران خارج می‌کردند. در مقابل، شهربانی وعده مساعدت در امور اداری آژانس را می‌دهد. این سند نشان‌دهنده سطح بالای نفوذ و نقش‌آفرینی آژانس یهود در امور امنیتی کشور است. آژانس نه تنها در امور مهاجرت و فرهنگی یهودیان فعال بوده، بلکه به‌عنوان نهادی غیردولتی اما مؤثر، با نهادهای رسمی حکومت نیز تعامل اطلاعاتی داشته است. همکاری میان شهربانی و آژانس، بازتاب‌دهنده نوعی رابطه «بده-بستان» در راستای منافع متقابل بوده و بیانگر سیاست دوگانه رژیم پهلوی در قبال اقلیت‌ها و نهادهای وابسته به اسرائیل است (سپهد مهدیقلی علوی مقدم به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

سند مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۳۷ به تشریح فعالیت‌های آژانس یهود (سخنوت) در تهران می‌پردازد. آژانس در خیابان فرانسه تهران مستقر بود و به تسهیل مهاجرت یهودیان به

اسرائیل می‌پرداخت. رئیس آن، یوسف بن نیشان، با حقوق ماهیانه ۸۰۰۰۰۰ ریال مدیریت می‌کرد و معاونش، یعقوب نیمرودی، مسئولیت کنسولی را بر عهده داشت. علاوه بر خدمات کنسولی، آژانس به معاینه مهاجران و اعزام آنها به اسرائیل نیز فعالیت می‌کرد. برخی از کارکنان کلیدی شامل شم طوب، منصور و رفیع یوسفی بودند که در زمینه صدور گذرنامه، ویزا و حمل‌ونقل مهاجران فعالیت داشتند. آژانس همچنین هزینه‌های «کلوپ کوروش کبیر» را تأمین می‌کرد و منوچهر امیدوار^۱ مسئول امور فرهنگی و تبلیغاتی آن بود. همچنین بودجه آژانس از طریق ارسال طلای خالص از پاریس تأمین می‌شد (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۷: ۸۵).

۸-۱. مهاجرت و خروج سرمایه انسانی و مالی

برخی افراد و محافل یهودی با جمع‌آوری و انباشت ثروت‌های فراوان و سپس انتقال آنها به فلسطین اشغالی نقش جدی در تقویت و تحکیم پایه‌های رژیم صهیونیستی ایفا می‌کردند. بدین ترتیب رژیم صهیونیستی فعالیت دامن‌داری را برای انتقال سرمایه یهودیان ایرانی به این کشور آغاز کرده بود. اکثر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری یهودیان ایرانی توسط بنگاه‌های اسرائیلی مانند بنگاه انوستزر در اورشلیم، بنگاه ایریس و بنگاه امین در تل‌آویو انجام می‌شد. سرمایه‌های یهودیان ایرانی از طریق بانک‌های سوئیس، آمریکا و انگلستان و بنگاه‌های صرافی در ایران به اسرائیل منتقل می‌شد. بنابراین یهودیان ایران پیوند مستحکم اقتصادی با کارتل‌های اقتصادی یهودیان در اسرائیل و آمریکا داشتند و یکی از عمده دلایل حمایت شاه

۱. منوچهر امیدوار، روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال فرهنگی یهودی ایرانی، در سال ۱۳۰۴ در اهواز از خانواده‌ای فرهیخته و اصفهانی‌تبار زاده شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در اهواز، تبریز و کالج البرز تهران گذراند. او از دوران دبیرستان نشریه «عالم یهود» را منتشر می‌کرد و بعدها با تأسیس باشگاه‌های برادران و خواهران، در آموزش زبان عبری و سازماندهی فرهنگی جامعه یهودی فعال بود.

از یهودیان نیز همین قدرت مالی، سیاسی و اجتماعی جامعه یهود و یهودیان ایرانی در غرب و به‌ویژه در آمریکا و واشنگتن بود (سرشار، ۱۳۸۴: ۳۷۷).

در سال‌های پایانی حکومت پهلوی، مهاجرت نخبگان و انتقال سرمایه‌های مالی به خارج، به‌ویژه به سرزمین‌های اشغالی، به یک مسئله حساس اقتصادی و امنیتی تبدیل شده بود. نهادهای اطلاعاتی مانند ساواک از این روند آگاه بودند و گزارش‌هایی درباره همکاری سرمایه‌داران یهودی ایرانی با نهادهای صهیونیستی وجود دارد. باین‌حال، دولت هیچ اقدام جدی برای مقابله با این روند انجام نداد. برخی از سرمایه‌داران یهودی ایرانی با استفاده از موقعیت‌های اقتصادی خود، منابع مالی را به اسرائیل یا دیگر مراکز مالی منتقل می‌کردند. اسناد ساواک نشان می‌دهد که این افراد با پذیرش تابعیت اسرائیل، وجوه خود را به دلار تبدیل کرده و به بانک‌های آمریکا منتقل کرده‌اند (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۴).

وزارت امور خارجه شاهنشاهی نیز در گزارش‌های متعدد، انتقال روزافزون ثروت از داخل کشور به اسرائیل به‌منظور تقویت و تحکیم پایه‌های رژیم صهیونیستی را تأیید می‌کند. در یکی از این گزارش‌ها آمده است که هیچ یهودی متمکن ایرانی نیست که لاقلاً یک آپارتمان در اسرائیل خریداری نکرده باشد. بر اساس این گزارش، یهودیان ایرانی در حیفا، ناتانیا و اورشلیم با مبالغ هنگفت مشغول سرمایه‌گذاری بودند و تمام تجار فرش خیابان فردوسی تهران در اسرائیل خانه داشتند و قسمت مهمی از سرمایه‌های ایران برای هتل‌سازی در اسرائیل سرمایه‌گذاری می‌شد (سازمان یهودی و صهیونیستی، ۱۳۸۴: ۱۹). اسرائیل و یهودیان ایرانی در زمینه اقتصاد با یکدیگر همکاری‌های چشم‌گیری داشتند که بسیاری از آنها از چشم ساواک مخفی نبود و سازمان اطلاعات و امنیت ایران به‌خوبی از آن اطلاع داشت. گزارش‌های متعدد ساواک، خود به‌خوبی گویای این نکته است. اما هرگز کمترین اقدامی از سوی سران امنیتی یا نهادهای دولتی ایران به‌منظور مقابله یا کنترل این همکاری مشاهده نمی‌شد و در عوض هر نوع مساعدتی به آنها صورت می‌گرفت. همچنین سرمایه‌داران یهودی که از پایگاه‌های مهمی در اقتصاد ایران برخوردار بودند، امکانات خود را در خدمت مطامع سران صهیونیستی قرار می‌دادند: «در حدود تاریخ ۳۶/۱۰/۱۸ عده‌ای از سرمایه‌داران یهود [ایران] تبعه اسرائیل در ایران کلیه وجوه نقدی خود را پس از تبدیل به

دلار به بانک‌های آمریکا منتقل کرده‌اند.» در گزارش دیگر ساواک در این باره، از سرمایه‌داران یهود ایران به عنوان «عامل دولت اسرائیل» یاد شده است: «دولت اسرائیل فعالیت دامنه‌داری را برای انتقال سرمایه ایرانیان یهودی به این کشور آغاز کرده است. به غیر از عوامل انسانی، بنگاه‌های اسرائیلی نیز در این راستا نقش اساسی ایفا می‌کردند: «اکثر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری ایرانیان یهودی توسط بنگاه‌های اسرائیلی زیر انجام می‌گیرد: ۱- بنگاه انوسترز در اورشلیم ۲- بنگاه ایریس در تل‌آویو. ۳- بنگاه امین در تل‌آویو» (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۷ - ۵۸).

وزارت امور خارجه ایران در نامه‌ای به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک)، به منظور بررسی صحت و سقم خروج اموال و دارایی‌های سرمایه‌داران یهود ایرانی و انتقال آن به اسرائیل آمده است: «به عرض می‌رسد اخیراً شنیده می‌شود که عده‌ای از یهودی‌های ایرانی به تدریج، از راه‌های مختلف، از کشور خارج شده و در اسرائیل اقامت می‌گزینند. بعضی از این خانواده‌ها، اموال و املاک خود را از ایران خارج کرده یا در حال انتقال آن به خارج به‌ویژه به اسرائیل هستند. از آنجاکه این موضوع ممکن است در سطح بین‌المللی ایجاد حساسیت نماید و در عین حال خروج این اموال ممکن است برای کشور زیان‌بار باشد، خواهشمند است ساواک در این زمینه تحقیق به عمل آورد و نتیجه را همراه با نظریه، به وزارت امور خارجه ارسال دارند.» این سند، اطلاعات مهمی را در مورد روابط پنهان رژیم پهلوی با اسرائیل و جامعه یهودی ایران ارائه می‌دهد. وزارت امور خارجه در این نامه اشاره می‌کند که به تدریج گروهی از یهودیان ایرانی از طریق راه‌های مختلف به اسرائیل مهاجرت می‌کنند و برخی از آنها اموال و املاک خود را از ایران خارج کرده یا در حال انتقال آن به اسرائیل هستند. این موضوع به صراحت مهاجرت سازمان‌یافته یهودیان به اسرائیل را تأیید می‌کند و در عین حال نشان‌دهنده رضایت ضمنی رژیم پهلوی در قبال این مهاجرت‌هاست، زیرا این مکاتبه بدون اعتراض صریح و در سطح رسمی انجام شده است. این در حالی است که در آن زمان بسیاری از کشورهای اسلامی وجود اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناختند. در بخش دیگری از نامه، وزارت خارجه نگرانی خود را از خروج سرمایه‌های اقتصادی ایران ابراز می‌کند و هشدار می‌دهد که این اقدام ممکن است برای کشور زیان‌بار

باشد. این نکته نشان می‌دهد که رژیم پهلوی اگرچه با مهاجرت یهودیان به اسرائیل مخالفت علنی نداشته، اما نگران تبعات اقتصادی و مالی آن بوده است. مهم‌ترین نکته در این نامه، درخواست وزارت خارجه از ساواک برای انجام تحقیقات امنیتی در این زمینه است. این نشان می‌دهد که مسئله مهاجرت یهودیان و انتقال اموال به اسرائیل به ابعاد امنیتی و اطلاعاتی رسیده و رژیم پهلوی احتمالاً از شبکه‌های گسترده انتقال اموال و ارتباطات با اسرائیل آگاهی داشته است. این سند می‌تواند بخشی از اسناد بزرگ‌تر باشد که نشان‌دهنده پوشش امنیتی رژیم، برای مهاجرت یهودیان و انتقال ثروت به اسرائیل است (مراسان، شماره سند ۷۰۵:۲۶).

اقدامات ساواک در تقویت بنیان‌های اقتصادی اسرائیل شامل همکاری با سرمایه‌داران یهودی ایرانی مانند صیون و داود القانین، موسی کرمانیان و رفائیل شادی بود که از شبکه‌های مالی و تجاری برای انتقال سرمایه به اسرائیل استفاده می‌کردند. این افراد و مؤسسات اقتصادی اسرائیلی مانند «بنگاه انوسترز» و «ایریس» در تل‌آویو در مدیریت و سرمایه‌گذاری دارایی‌های منتقل شده از ایران به اسرائیل نقش داشتند. این روند علاوه بر ابعاد اقتصادی، نشان‌دهنده هماهنگی راهبردی میان سرمایه‌داران یهودی ایرانی و سیاست‌های رژیم صهیونیستی بود. در داخل ایران، این فرآیند نگرانی‌هایی درباره خروج سرمایه ملی و تضعیف ظرفیت‌های اقتصادی کشور ایجاد کرده بود. مهاجرت یهودیان باعث کاهش حضور نیروی انسانی متخصص در حوزه‌هایی مانند تجارت، صنایع دستی، پزشکی و بانکداری شد (احمدی، ۱۳۸۳: ۵۸).

در ادامه فعالیت‌های آژانس یهود و نمایندگان آن در ایران، گزارشی از ساواک به تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۵۱، به برگزاری جلسه‌ای در دفتر نمایندگی تجاری اسرائیل در تهران اشاره می‌کند. این جلسه با حضور نماینده سیاسی اسرائیل و چهره‌های شناخته شده‌ای همچون حبیب القانین برگزار شد. هدف اصلی این نشست، بررسی وضعیت مهاجرت یهودیان ایرانی به اسرائیل و جذب حمایت مالی از جامعه یهودیان ایران بود. نماینده اسرائیل در این جلسه با اشاره به بودجه ۸۰۰ میلیون دلاری دولت اسرائیل، از مشارکت اندک یهودیان ایرانی (میانگین ۲ دلار سالانه) انتقاد کرده و خواستار افزایش کمک‌ها شد (مراسان، سند

۰۷۰۵: ۶). این نشست به‌وضوح نشان‌دهنده نقش فعال نخبگان یهودی ایران در ارتباط با نهادهای صهیونیستی و استفاده از پوشش تجاری نمایندگی اسرائیل برای پیشبرد اهداف سیاسی و مهاجرتی بود. از آنجاکه آژانس یهود و نمایندگان به‌طور غیررسمی و از طریق نهادهای تجاری و اقتصادی وارد فعالیت‌های مهاجرتی می‌شدند، این روند به‌طور مستمر توانست فرآیند مهاجرت یهودیان به اسرائیل را تسهیل کند و بر اساس منابع مالی دولت اسرائیل، توانست کمک‌های مالی لازم را برای ادامه فعالیت‌های خود در ایران جذب نماید. این فعالیت‌ها تأثیرات چشمگیری بر اقتصاد ایران داشت، چراکه سرمایه انسانی و مالی قابل توجهی از کشور خارج می‌شد.

سندی دیگر از ساواک، نشان‌دهنده تلاش اسرائیل برای جذب سرمایه‌های یهودیان ایرانی به خارج از کشور، به‌ویژه از طریق دعوت‌نامه‌هایی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های هتلداری اسرائیل است. ساواک ایران نگران بود که این فعالیت‌ها منجر به خروج سرمایه از کشور و تقویت اقتصاد اسرائیل شود، که می‌توانست اثرات منفی بر اقتصاد ایران و روابط آن با کشورهای عربی و اسرائیل داشته باشد. به همین دلیل، ساواک اقدام به جلوگیری از توزیع این دعوت‌نامه‌ها کرد. نامه‌ای از منشه امیر، نماینده شرکت زر ساز، برای یهودیان ایرانی ارسال شده که شرایط سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اسرائیل را با مزایای مالیاتی ویژه معرفی می‌کند و پیشنهاد خرید سهام شرکت خیرالیسرائل به قیمت ۱۰۰,۰۰۰ دلار را می‌دهد (مراسان، شماره سند ۷۰۵: ۴).

۲-۸. نقش نهادهای مذهبی یهودی ایران در جمع‌آوری کمک‌های مالی برای اسرائیل

در کنار فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌داران یهودی در حمایت از اسرائیل، نهادهای مذهبی یهودی در ایران نیز نقشی فعال در تأمین مالی این رژیم ایفا می‌کردند. گزارش‌های ساواک حاکی از آن است که در ایام مذهبی و مناسبت‌های خاص عبری، کمک‌های مالی قابل توجهی از سوی پیروان یهودی ایرانی جمع‌آوری شده و به طرق مختلف به اسرائیل منتقل می‌شد. این اقدامات از درون کنیسه‌ها و با هماهنگی برخی چهره‌های مذهبی و اجتماعی جامعه کلیمی صورت می‌گرفت. در ادامه، یکی از اسناد مهم ساواک که به این

موضوع پرداخته و به طور خاص به کنیسه‌های خیابان گرگان تهران اشاره دارد، ارائه می‌شود. یکی از اسناد مهم ساواک مربوط به تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۴۹، گزارشی از اظهارات فردی به نام یوسف یاشارال، عضو بازنشسته وزارت راه و عضو انجمن کلیمیان تهران ارائه می‌دهد. بر اساس این سند، یاشارال طی گفت‌وگویی دوستانه اظهار داشته که در ایام خاص مذهبی یهودیان - از جمله سال نو عبری، روزه بزرگ و اعیاد مذهبی - از کنیسه‌های یهودیان در ایران مبلغی در حدود دو میلیون و پانصد هزار ریال به عنوان کمک مالی جمع‌آوری و این مبلغ از طریق کنیسه‌های خیابان گرگان در تهران برای ملت اسرائیل ارسال شده است. ساواک در نظریه پیوسته شده به این گزارش تصریح می‌کند که رقم واقعی کمک‌های مالی احتمالاً بیش از مبلغ اعلام شده بوده، زیرا تنها از یک کنیسه (کنیسه گرگان) چنین رقمی گزارش شده و در تهران و دیگر شهرها، کنیسه‌های متعدد دیگری نیز وجود داشته‌اند. در نتیجه، سازمان اطلاعات و امنیت کشور خواستار اقدامات تحقیقاتی بیشتر در خصوص این فعالیت و همچنین صحت و سقم گفته‌های یاشارال شده است (مراسان، شماره سند ۷۰۶: ۴۸). این گزارش از منظر تحلیلی حاوی نکات مهمی است: ساختار منسجم جامعه یهودیان ایران برای جمع‌آوری کمک‌های مالی به اسرائیل، به ویژه از طریق نهادهای مذهبی مانند کنیسه‌ها؛ نقش فعال انجمن کلیمیان تهران به عنوان واسطه میان جامعه یهودیان و اسرائیل؛ نگرانی اطلاعاتی ساواک نسبت به ابعاد واقعی حمایت‌های مالی، که فراتر از گزارش‌های رسمی است؛ و ابهام در نحوه انتقال کمک‌ها و احتمال وجود کانال‌های غیررسمی یا دیپلماتیک که با چشم‌پوشی رژیم پهلوی عبور کرده‌اند.

این سند که توسط ساواک تهران در تاریخ ۶ مهر ۱۳۵۰ تهیه شده، گزارشی است از اقدامات جمع‌آوری کمک مالی از سوی جامعه یهودی ایران برای اسرائیل. در این گزارش، به نشست برگزار شده در نمایندگی اسرائیل در تهران اشاره شده که در آستانه سال نو عبری (روزه بزرگ)، نمایندگان کنیسه‌ها، انجمن‌های محلی یهودی، انجمن کلیمیان تهران و صندوق ملی یهود حضور داشتند. هدف این نشست، جمع‌آوری تعهدات مالی از نهادهای مختلف یهودی به منظور ارسال کمک به اسرائیل بوده است. بر اساس این گزارش، مبلغ تعهد شده توسط جامعه یهودی ایران برای کمک به اسرائیل معادل ۱۱'۹۲۹'۰۰۰ ریال بوده

است. از این مبلغ، ۵'۰۰۰'۰۰۰ ریال نقداً پرداخت شده و مابقی آن به تدریج پرداخت خواهد شد (مراسن، شماره سند ۷۰۵: ۲۱). این مبلغ قابل توجه، نشان‌دهنده توان مالی بالای جامعه یهودیان ایران و همچنین آمادگی آنها برای حمایت از اسرائیل است. از دیگر نکات مهم این گزارش، نقش نهادهای دینی و مدنی یهودی همچون کنیسه‌ها و انجمن کلیمیان تهران است که به وضوح به عنوان نهادهای سازمان‌دهنده در جمع‌آوری کمک‌های مالی برای اسرائیل عمل کرده‌اند. این نشان می‌دهد که فعالیت‌های دینی و فرهنگی یهودیان در ایران، نه تنها جنبه مذهبی بلکه ابعادی سیاسی و مالی نیز داشته و در راستای حمایت از اسرائیل سازمان‌دهی می‌شد.

همچنین در تاریخ ۷ مهر ۱۳۵۰، ساواک گزارشی درباره جمع‌آوری اعانه برای اسرائیل توسط جامعه یهودیان ایران ارائه کرد. در این گزارش، آمده است که نمایندگی اسرائیل در تهران به سرپرستی مئیر عزری، گروهی سیار برای جمع‌آوری کمک‌های مالی از یهودیان ایران تشکیل داده است. این گروه از طریق تماس‌های مستمر با کنیسه‌های مختلف تهران، مبالغ جمع‌آوری شده را دریافت می‌کرد. در گزارش، فهرستی از ۱۴ کنیسه در نقاط مختلف تهران ارائه شده است که هرکدام مسئول جمع‌آوری کمک‌ها بودند. برخی از کنیسه‌ها شامل کنیسه‌های عراقی‌ها در خیابان آناتول فرانس، کنیسه‌های ابریشمی در خیابان کاخ شمالی، کنیسه‌های یوسف‌آباد و دیگر کنیسه‌های محله‌های مختلف تهران بودند. هر کنیسه مسئول مشخصی داشت که در جمع‌آوری کمک‌ها مشارکت فعال داشت. این گزارش تأیید می‌کند که جامعه یهودیان ایران در تهران یک شبکه سازمان‌یافته و گسترده برای جمع‌آوری کمک‌های مالی داشتند و این فعالیت‌ها تحت هدایت مستقیم نمایندگی اسرائیل در تهران انجام می‌شد (مراسن، سند شماره ۷۰۵: ۳۲). این سند ساواک به فعالیت‌های سازمان‌یافته نمایندگی اسرائیل در ایران برای جمع‌آوری کمک‌های مالی از یهودیان ایرانی می‌پردازد. در این گزارش آمده است که طی سه ماه منتهی به دی ۱۳۵۰، نمایندگی اسرائیل با همکاری انجمن کلیمیان تهران، اقدام به برگزاری جلسات، سخنرانی‌ها و ارسال بخشنامه‌هایی برای تشویق یهودیان ایرانی به پرداخت اعانه جهت حمایت از دولت و ارتش اسرائیل کرده است. افرادی چون مئیر عزری و دیپلمات‌های اسرائیلی مقیم تهران، نقش فعالی در هماهنگی این

اقدامات داشته و با دعوت از اقشار مختلف یهودیان (از پزشکان تا کارکنان شرکت نفت)، تلاش کردند از ظرفیت مالی آنان برای اهداف اسرائیل بهره‌برداری کنند (مراسان، شماره سند ۷۰۵: ۲۷).

یکی دیگر از اسناد ساواک به جمع‌آوری هفت میلیون ریال کمک مالی از سوی یهودیان طرفدار اسرائیل در ایران برای خرید اسلحه اشاره دارد؛ همچنین نقش لطف‌الله حی، نماینده مجلس، در تسهیل مهاجرت یهودیان به اسرائیل را مستند می‌کند. این گزارش از هماهنگی بالای جامعه یهودی ایران در حمایت مالی و سیاسی از اسرائیل حکایت دارد. در عین آگاهی ساواک، نشانی از مداخله یا جلوگیری دیده نمی‌شود که می‌تواند نشانگر همراهی ضمنی رژیم پهلوی با این روند، در چارچوب سیاست‌های غیررسمی و ملاحظات منطقه‌ای باشد (مراسان، شماره سند ۴۳۶: ۱۱).

در ادامه حمایت‌های مالی جامعه یهودی ایران از اسرائیل، سند محرمانه ساواک به تاریخ ۸ شهریور ۱۳۴۹ نشان می‌دهد که پس از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷، انجمن کلیمیان تهران با مشارکت روحانیون و بازرگانان یهودی، اقدام به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای اسرائیل کرده است. این کمک‌ها عمدتاً در ایام اعیاد مذهبی و از طریق کنیسه‌ها جمع‌آوری و به صورت مخفیانه به اسرائیل منتقل می‌شد. سند نشان‌دهنده سازمان‌دهی دقیق این فعالیت‌هاست و تأکید دارد که مراسم‌های مذهبی نه فقط جنبه عبادی، بلکه کارکرد سیاسی و مالی نیز داشته‌اند. ساواک با وجود آگاهی، واکنشی عملی نشان نداده و این امر حاکی از نوعی تساهل یا هم‌راستایی ضمنی رژیم پهلوی با چنین اقدامات است (مراسان، شماره سند: ۲۹).

۳-۸. پیامدهای سیاسی و اجتماعی، و نگرانی‌های امنیتی

فعالیت‌های آشکار و پنهان نمایندگی اسرائیل و نهادهای وابسته به آن در ایران، تنها در سطح اقتصادی و مذهبی محدود نمانده، بلکه پیامدهای گسترده‌تری در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به دنبال داشته‌اند. دستگاه امنیتی کشور، به‌ویژه ساواک، نسبت به تبعات داخلی و منطقه‌ای این تحرکات ابراز نگرانی کرده و در گزارش‌هایی هشدار داده بود که ادامه این

روند می‌تواند موجب تحریک افکار عمومی داخلی و افزایش حساسیت کشورهای عربی نسبت به روابط ایران و اسرائیل گردد.

بر اساس گزارشی، فعالیت‌های آژانس یهود در ایران می‌توانست شایعاتی در رسانه‌های عربی مبنی بر همکاری نزدیک ایران و اسرائیل ایجاد کند. این تبلیغات به‌ویژه در کشورهای عربی مخالف مانند عراق، سوریه و لیبی ممکن بود احساسات ضدایرانی را تشدید کرده و فشارهای سیاسی را افزایش دهد. در داخل ایران نیز، این فعالیت‌ها ممکن بود موجب نارضایتی اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه مخالفان روابط نزدیک با اسرائیل شود. نگرانی ساواک از تأثیر این تبلیغات و افزایش مخالفت‌ها نشان‌دهنده حساسیت بالای حکومت پهلوی به توازن داخلی و سیاست خارجی بود. همچنین، گزارش به حضور فعال یهودیان طرفدار اسرائیل در جمع‌آوری کمک‌های مالی اشاره کرده و سخنرانی «مئیر عززی» در خصوص تأمین بودجه ۳ میلیارد و ۸۰۰ هزار دلاری اسرائیل و تلاش برای افزایش سهمیه ۲ دلار برای هر ایرانی در این بودجه را ذکر می‌کند، که اهمیت این فعالیت‌ها را از نظر دیپلماتیک و تبلیغاتی برجسته می‌کند (مراسان، شماره سند ۰۷۰۵: ۴).

در خرداد ۱۳۵۱، نماینده‌ای از صهیونیسم جهانی برای جمع‌آوری کمک مالی و تقویت مهاجرت یهودیان به اسرائیل به تهران سفر کرد. در سندی دیگر، ساواک هدف اصلی این سفر را «جمع‌آوری کمک مالی و بازسازی تشکیلات یهودی در ایران» دانست. همچنین، بر اساس گزارشی محرمانه، «مئیر عززی»، فعال جامعه یهودیان تهران، به‌عنوان عامل تبلیغات صهیونیستی شناخته شده بود. وی با استقرار دفتری در تهران، به‌نماینده‌گی از آژانس یهود و شرکت «ال‌عال» فعالیت می‌کرد و به تقویت نفوذ اسرائیل در میان نخبگان ایرانی می‌پرداخت. عززی همچنین با برخی مقامات ایرانی ارتباط برقرار و زمینه سفر آنان به اسرائیل را فراهم می‌کرد. با وجود آگاهی کامل ساواک، هیچ اقدام بازدارنده‌ای در برابر این فعالیت‌ها صورت نگرفت، که نشان‌دهنده تساهل ضمنی سیاست خارجی حکومت پهلوی با اسرائیل بود. این فعالیت‌ها تأثیرات منفی بر امنیت و سیاست داخلی ایران داشت (مراسان، شماره سند ۷۰۵: ۱۹).

در ادامه فعالیت‌های پنهانی صهیونیستی در ایران، گزارشی با طبقه‌بندی «خیلی محرمانه» از ساواک به تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۵۶، از تشکیل یک هسته مخفی صهیونیستی در تهران پرده برمی‌دارد. این نشست در منزل یکی از اعضا در خیابان عباس‌آباد و با حضور شماری از فعالان یهودی ایرانی برگزار شد. هدف اصلی این گردهمایی، ایجاد گروهی جوان و مخفی برای ترویج آموزه‌های صهیونیستی و همکاری با نهادهای اسرائیلی بود. ساواک تأکید می‌کند که تأمین مالی این فعالیت‌ها (از جمله مبلغ هزار دلار) بدون حمایت نهادهایی چون آژانس یهود یا موساد ممکن نیست. مقام ناظر امنیتی، این اقدام را مخاطره‌آمیز دانسته و نسبت به ایجاد شکاف در جامعه یهودی ایران و بروز پیامدهای امنیتی هشدار داده است (مراسان شماره سند ۷۰۶:۲۲).

از جمله پیامدهای امنیتی دیگر فعالیت‌های مرتبط با آژانس یهود در ایران، تهدید مستقیم نمایندگان رسمی جامعه یهودی کشور بود. در تیرماه ۱۳۵۶، لطف‌الله حی، نماینده اقلیت یهود در مجلس شورای ملی، از سوی فردی ناشناس تهدید به مرگ شد. این تهدید در واکنش به نقش احتمالی او در جمع‌آوری کمک مالی برای اسرائیل صورت گرفت و از سوی نهادهای امنیتی به‌عنوان تهدیدی جدی ارزیابی شد. در گزارش ساواک تأکید شده که «در شرایط فعلی صلاح نیست آقای حی به این امور بپردازد» و توصیه شده که احتیاط بیشتری در فعالیت‌های خود به خرج دهد (مراسان، شماره سند ۷۰۵:۴۸). تأیید این توصیه از سوی مقامات بالادست، بیانگر حساسیت بالا و ابعاد امنیتی فعالیت‌های مرتبط با حمایت از اسرائیل در آن مقطع است. این فعالیت‌ها نه تنها جنبه‌های اقتصادی و مهاجرتی داشت، بلکه بر ابعاد سیاسی و امنیتی نیز تأثیرات جدی گذاشت. حمایت‌های مالی و فرهنگی از سوی آژانس یهود و سایر نهادهای مرتبط با اسرائیل، موجب افزایش نفوذ اسرائیل در برخی از بخش‌های حساس جامعه ایرانی، به‌ویژه در میان نخبگان، شد. این روند می‌توانست تهدیداتی برای امنیت ملی ایران به‌ویژه در زمینه‌های اطلاعاتی و سیاسی به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعه اسناد امنیتی برجای‌مانده از ساواک و بررسی شواهد تاریخی و اجتماعی موجود، نشان می‌دهد که فعالیت آژانس یهود و سایر نهادهای وابسته به دولت اسرائیل در ایران پهلوی، صرفاً محدود به همکاری‌های دیپلماتیک، فرهنگی یا آموزشی نبود، بلکه در لایه‌های پنهان‌تر، شبکه‌ای پیچیده، هدفمند و سازمان‌یافته از نفوذ اقتصادی و اجتماعی نیز به‌موازات آن شکل گرفته بود. این شبکه‌ها که با حمایت مستقیم موساد و دیگر نهادهای امنیتی و مالی اسرائیل فعالیت می‌کردند، در عمل مأموریت داشتند ضمن ایجاد پیوندهای عمیق در میان اقلیت یهودی ایران، فرایند مهاجرت و انتقال منابع مالی، انسانی و علمی به فلسطین اشغالی را تسهیل کنند. در حوزه اقتصادی، آثار فعالیت‌های آژانس یهود را می‌توان در چند سطح موردبررسی قرار داد: نخست، انتقال گسترده سرمایه‌های داخلی به اسرائیل یکی از برجسته‌ترین نتایج این فعالیت‌ها بود. کمک‌های مالی جامعه یهودیان ایران به نهادهای اسرائیلی، جمع‌آوری اعانات سازمان‌یافته، ایجاد صندوق‌های ویژه و ترغیب افراد ثروتمند به سرمایه‌گذاری یا اهدای دارایی به دولت اسرائیل، ازجمله روش‌هایی بود که منجر به خروج منابع مالی از ایران و هدایت آنها به سمت اقتصاد در حال رشد رژیم صهیونیستی شد. این جریان مالی نه تنها موجب تضعیف چرخه سرمایه‌گذاری در داخل ایران شد، بلکه در بلندمدت توان رقابت بخش‌های تولیدی و تجاری داخلی را با رقبای منطقه‌ای کاهش داد.

در سطح دیگر، خروج نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده از ایران به مقصد اسرائیل نیز تأثیرات جدی بر اقتصاد ایران برجای گذاشت. بسیاری از افرادی که در ساختارهای فنی، مهندسی، پزشکی یا آموزشی کشور مشغول بودند، تحت تأثیر تبلیغات مهاجرتی آژانس یهود و وعده‌های رفاه در سرزمین موعود، تصمیم به ترک ایران گرفتند. این فرایند، که عمدتاً در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ ش شدت گرفت، سبب کاهش ظرفیت‌های علمی و تکنولوژیک کشور، به‌ویژه در دوران حساس پیش از انقلاب، گردید. ایران در این سال‌ها نیاز مبرمی به حفظ نخبگان و نیروهای متخصص داشت؛ اما فعالیت‌های آژانس یهود در عمل در خلاف این مسیر حرکت کرد.

از دیگر تبعات اقتصادی این نفوذ، می‌توان به اختلال در شبکه‌های ارتباطی و همکاری‌های اقتصادی میان جامعه یهودیان و سایر اقشار ایرانی اشاره کرد. آژانس یهود با مداخلات گسترده در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه یهودی ایران، شکاف‌هایی را میان این اقلیت و بدنه اصلی جامعه به وجود آورد. این مسئله ضمن تضعیف سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل، در سطح اقتصادی نیز باعث گُند شدن همکاری‌های تجاری، کاهش سرمایه‌گذاری مشترک و افت تعاملات اقتصادی میان اقوام و گروه‌های مختلف شد. افزون بر این، باید به نقش حمایت‌های پنهان دولت پهلوی از این جریان اشاره کرد. بر اساس برخی گزارش‌ها، دولت ایران با آگاهی از برخی فعالیت‌های آژانس یهود و در مواردی با چشم‌پوشی عامدانه، زمینه‌های رشد و فعالیت این نهادها را در ایران فراهم کرد. این تساهل سیاسی و امنیتی، باعث شد آژانس یهود بتواند بدون محدودیت جدی، منابع و اطلاعات راهبردی را از ایران خارج کرده و به سوی اسرائیل سوق دهد. بدین ترتیب، آسیب‌های وارده نه فقط نتیجه عملکرد یک شبکه خارجی، بلکه حاصل ترکیب عوامل داخلی و خارجی بود. در نتیجه، فعالیت‌های آژانس یهود در ایران عصر پهلوی را باید پروژه‌ای فراتر از سطح فرهنگی یا مذهبی تلقی کرد؛ پروژه‌ای که با هدف مشخص تقویت ساختار اقتصادی رژیم صهیونیستی و تأمین سرمایه انسانی آن، به خروج گسترده منابع مادی و انسانی از ایران منجر شد.

کتابنامه

الف) اسناد

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی مَراسان (marāsān)، شمارهٔ بازیابی اسناد ۷۰۵-۷۰۶-

۴۳۶

ب) کتاب

۱. احمدی، عبدالرحمن، ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳.

۲. احمدی، محمد، پژوهش صهیونیت: مجموعه مقالات، تهران، مرکز مطالعات

فلسطین، ۱۳۸۱.

۳. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران

معاصر، مترجمان محمدابراهیم فتاحی، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

۴. تقی‌پور، محمدتقی، ایران و اسرائیل در دوران سلطنت پهلوی، ج ۱، مؤسسهٔ

مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰.

۵. سازمان یهودی و صهیونیستی، تهران، مؤسسهٔ مطالعات و پژوهش‌های سیاسی،

۱۳۸۴.

۶. سپهبد مهدیقلی علوی مقدم به روایت اسناد ساواک، انتشارات مرکز بررسی

اسناد تاریخی، ۱۳۹۳.

۷. سرشار، هومن، فرزندان استر؛ مجموعه مقالاتی دربارهٔ تاریخ و زندگی یهودیان

در ایران، ترجمهٔ مهرناز نصریه، تهران، نشر کارنگ، ۱۳۸۴.

۸. علی اصفهانی، اعظم و مهدی اللهیاری بیک، «مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین

با تکیه بر دورهٔ حکومت پهلوی اول»، فصلنامهٔ ۱۵ خرداد، دورهٔ سوم، سال

یازدهم، شمارهٔ ۳۹، بهار ۱۳۹۳.

۹. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، مؤسسهٔ اطلاعات، ۱۳۸۹.

۱۰. فضل الناقب، اقتصاد اسرائیل، ترجمه مؤسسه تحقیقات سیاسی ندا، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.

۱۱. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک: زمینه‌ها، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۷.

۱۲. المسیری، عبدالوهاب، دایره المعارف یهود یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، جلد ششم، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۲.

۱۳. ملا ابراهیمی، عزت، آژانس یهود، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، ۱۳۸۶.

۱۴. ملکی، محمدرضا، «روابط راهبردی ایران و دولت یهود تا پیروزی انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست خارجی، زمستان ۱۳۷۸، سال سیزدهم (۱۰۶۹ تا ۱۰۹۰)، شماره ۴.

۱۵. یزدانی، مرضیه، اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین. ۱۳۳۰ - ۱۳۰۰، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۵.

۱۶. یهودیت و صهیونیسم، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، جلد ششم، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۲.

17. English

18. Alpher, Yossi, (2015) Periphery: Israel's search for Middle East allies. Rowman & Littlefield.

19. Bahgat, Gawdat. (2006) Israel and the Persian Gulf: Retrospect and Prospect. Gainesville: The University Press of Florida.

20. Bialer, Uri, (2007), Fuel Bridge across the Middle East—Israel, Iran, and the Eilat-Ashkelon Oil Pipeline, Israel Studies.

21. Bialer, Uri, (1985), The Iranian Connection in Israel's Foreign Policy: 1948-1951 Middle East Journal, 39.2.

22. Feiler, Gil, (2013), From boycott to economic cooperation: the political economy of the Arab boycott of Israel. Routledge.

23. Furlan, Marta, (2022), Israeli-Iranian relations: past friendship, current hostility." *Israel Affairs* 28.2.
24. Geva-May, (0998), Iris, and James W. Dean. "Absorption of immigrants to Israel: On remedies for market and policy myopia." *Journal of Policy Analysis and Management* 17.4 .
25. Hussein, Husam Kassai, (2019), and Wedad Abdolrahman al-Karni, THE IRANIAN REVOLUTION AND THE REALITY OF JEWS IN IRAN AFTER 1979, *JOURNAL FOR IRANIAN STUDIES* 7: 19.-29.
26. *Israel's Clandestine Diplomacies*, (London: Hurst & Company, 2013).
27. Jones, Clive, and Tore T. Petersen, eds, (2013), *Israel's Clandestine Diplomacies*. Oxford University Press, USA.
28. Karsh, Efraim, and P. R. Kumaraswamy, (2013), *Islamic attitudes to Israel*. Routledge.
29. Menashri, David, (2013), *Iran, Israel and the Middle East Conflict 1.* "Islamic Attitudes to Israel. Routledge, 107-122.
30. Mizrahi, H, *Yehudei Pārās*, Tel-Aviv, 1959.
31. Morris, Benny, (2005), *1948: a history of the first Arab-Israeli war*. Yale University Press.
32. Mousavi Dalini, Javad, and Arash Yousefi, (2023), Exploring Push-Pull Factors Affecting Iranian Jews' Emigration to Palestine, 1925-1954: A Social History Approach, *Al-Jami'ah: Journal of Islamic Studies* 61.1.
33. Netzer, Amnon, ed., *Yehudei Irān*, Tel-Aviv, 1988.
34. Parsi, Trita, (2007), *Treacherous alliance: the secret dealings of Israel, Iran, and the United States*. Yale University Press.
35. Parsi, Trita, (2007), *Treacherous Alliance: The Secret Dealings of Israel, Iran, and the United States*. New Haven and London: Yale University Press.
36. Patten, Howard A, (2013), *Israel and the Cold War: Diplomacy, Strategy and the Policy of the Periphery at the United Nations*. London, New York: I. B. Tauris.
37. Samuel Ettinger, (1995), *The Jews in Islamic Countries (1850_1950)*, trans. Dr. Jamal Ahmed al-Rifai (Kuwait: World of Knowledge Series (197), 119-120.

38. Sarbakhshian, Hassan, Lior B. Sternfeld, and Parvaneh Vahidmanesh, *Jews of Iran: A Photographic Chronicle*. Penn State Press.
39. Shaoulian-Sopher, Efrat (2017) *Israeli foreign policy towards Iran 1948-1979: beyond the realist account*. PhD thesis, London School of Economics and Political Science.
40. Sternfeld, Lior, (2014), *The revolution's forgotten sons and daughters: The Jewish community in Tehran during the 1979 revolution*." *Iranian Studies* 47.6.
41. Stock, Ernest, (1972), *The reconstitution of the Jewish Agency: A political analysis*, *The American Jewish Year Book* .
42. *WORLD ZIONIST ORGANISATION - JEWISH AGENCY (STATUS) LAW, 5713-1952*.
43. Yaghoubian, David N. Lior B. Sternfeld, (2021), *Between Iran and Zion: Jewish Histories of Twentieth-Century Iran*.
44. Yeroushalmi, David, (1995) *The Judeo-Persian Poet 'Emrānī and His Book of Treasure*, Leiden.
45. Yishai, Moshe, (1950), *Tsir be-lo to'ar: rishme sheliḥut u-mas'a be-Pārās (A delegate without title.)*, Tel Aviv.
46. Ezri, Meir, (2011), *The legacy of Cyrus: my Iranian mission*.

۰۰۷۰۶۰۱۳

خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی
گزارش خیر

درجه فوریت

۷ - منبع ۴۶۰۴	صفحه	از
۸ - منشأ فردگاه سپهرآباد	نسخه شماره	از
۹ - تاریخ وقوع ۰۱/۸/۲۴	۱ - به ۳۴۹		
۱۰ - تاریخ رسیدن خیر به منبع ۰۱/۹/۲۲	۲ - از ۲۱۰۲۰		
۱۱ - تاریخ رسیدن خیر برحسب عملیات محل ۱/۹/۲۲	۳ - شماره گزارش ۲۱۰۲۰/۴۳۱۹۴		
۱۲ - ملاحظات حفاظتی	۴ - تاریخ گزارش ۰۱/۹/۲۲		
		۵ - پیوست		
		۶ - گینندگان خیر		

موضوع: **عزیمت خانم افراطی**

طبقه بندی حفاظتی

روز چهارشنبه ۰۱/۸/۲۴ با هواپیمای سوئیس از خانم افراطی که در حدود یک ماه قبل به تهران وارد و در هتل سناسکونت گزید، جمع آوری ۱۸۵۰۰ ریال و چک نقد از افراد بهبودی و ۳۵۴ دلار که بطور حواله خواهند فرستاد ساعت ۲۰ - ۱ با عداد پسوی رم پرواز نمود.

نظریه سه شنبه - خانم افراطی چندی قبل برای جمع آوری امانت جهت افراد یتیم در بیضاخت اسرائیل به ایران مسافرت نمود، پس از جمع آوری امانت و تاریخ فوق ایران را ترک نمود. **اسرائیل**

نظریه چهارشنبه - نظریه سه شنبه مورد تأیید است. **اسرائیل**

خیلی محرمانه

طبقه بندی حفاظتی

۴۶-۱۳۰

۱۳

سند شماره ۱:

عزیمت «حنّا افراطی» پس از جمع آوری کمک‌های نقدی و اعانات ریالی و دلاری برای اسرائیل به شهر رم ایتالیا.

۱۳۰۶۰۷۰۱۶

طبقه بندی حفاظتی
توزیع خلیفه

<p>درجه فوریت</p> <p>صفحه یکم</p> <p>نسخه شماره</p> <p>از</p> <p>به</p> <p>از</p> <p>شماره گزارش</p> <p>تاریخ گزارش</p> <p>داور</p> <p>گرددگان غیر</p>	<p>۷ - منبع</p> <p>۸ - منشأ</p> <p>۹ - تاریخ وقوع</p> <p>۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع</p> <p>۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر حسب عملیات محل</p> <p>۱۲ - ملاحظات حفاظتی</p>
--	--

موضوع: **بیمت تهران**

بانک ویسکونت اسرائیل جهت جلب مشتری تقاضاهای یادرس اشخاص ارسال نموده و فرستنده تقاضا صندوق پستی ۶۰۵ تهران میباشد بطوریکه درنامه مذکور چسب شده بانک یاد شده با سرمایه ای معادل شش میلیون لیره اسرائیلی از معتبرترین بانکهای بین المللی بوده و در تمام دنیا دارای شعبه و نمایندگی است.

نظریه شنیه: نامه جهت اشخاص توسط بانک اسرائیل ویسکونت ارسال شده است.

نظریه چهارشنبه: ضمن تأیید نظریه شنیه فتوکی اصل نامه و ضمیه آن واکت مربوطه به بیوست تقدیم میگردد.

۸۴

مدت اعتبار: ۱۱ روز
تاریخ: ۱۳۰۶/۰۷/۱۶
پیش: ۲۴۱
گردید

مجموعه
طبقه بندی حفاظتی

۳۶-۱۳۰

۱۶

سند شماره ۲:

گزارش ساواک از ارسال دعوت نامه هایی بانک «دیسکونت» واقع در اسرائیل به آدرس پستی ۲۵۰ نفر از یهودیان سرشناس ساکن در شهرهای مختلف ایران به منظور جلب مشتری و ترغیب سرمایه گذاری آنها در اسرائیل به همراه کپی متن دعوت نامه مذکور.

بنك ديسكونت اسرائيل م.رض.

۰۰۲۰۲۰۱۲

تاریخ: ۱۳۸۷/۱۱/۱۱

بنگاه محترم و گرامی: دادند حساب شماره ۰۰۱۱
باکلی خوشگونی متوجه شدیم که اکثراً خود را باکس اطلاع کرده‌اید. با وجود آن تاکنون هیچ وجهی
حساب خود نزد این بانک منظور نگردانیده‌اید. متذکر می‌باشم که این جزو متخلفان خوب خود
مصدوب می‌باشیم.

این بانک با سرمایه شش بیلیون لریه اسرائیلی یکی از بانک‌های بزرگ و معتبر بین‌المللی است و
در تمام نقاط دنیا دارای شعبات و نمایندگی‌های عالی متعدد و از نظر خدمات بهترین و معروفترین
بانک‌ها می‌باشد. امیدوار است جناب‌عالی هم فرصتی بنا دهید و حسن رفتار خود را با این
مقامت کنیم. ما برای مشتریان ایرانی خود امتیازات قابل توجهی تانلی شده‌ایم و کارهایمان
باکس را حاضرند را همان‌جایی‌ها لازم را نه فقط در امور بانکی بلکه در امور شخصی هم به
مشتریان بانک بهمانند.

با تقدیم احترامات عالیستة
بانك ديسكونت اسرائيل

ISRAEL DISCOUNT BANK LTD.
Should you object to it, kindly let us know
by return mail.

۱۳۱۱
۰۰۶۰۶۰۱۵
از سال دعوتنامه از طرف بانک دکنوت اسرائیل، در تاریخ مختلف

بخدا، بانک فوق الذکر که در کشور اسرائیل فعالیت بانکی دارد تعداد
۲۵۰ نفره دعوتنامه به آدرس پلاک ایران لوله شماره ۱

در این دعوتنامه ها ضمن اشاره به شماره حساب صاحب دعوتنامه

مطالبی شرح زیر درج شده است :
این بانک، سر به تنش بیلیون لیره اسرائیلی میگزارد، بزرگ
و معتبر بین مللی است و در تمام نقاط دنیا دارای شعبات گسترده
فعال است و از نظر خدمات بهترین و معروفترین بانک دنیا است.
تغایب مالی هم فرصتی مایدهد که ضمن رفتار خودمان

تغایب کنیم. ما برای متربیل ایرانی خود امتیازات عالی
تکلیفی قابل شده ایم و کارستان بانک ما حاضرند راههای تنگ را
نه فقط در امور بانکی در امور شخصی هم به متربیلان کمک نمایند.
از روی بخت از سال دعوتنامه صاحب رانته و مطابقت بلا در آن دعوتنامه
دارا ۱۳۱۱
۱۳۱۱

۱۰۰۶

۰۰۷۰۵۰۲۸

۱۳

ارسال پول به اسرائیل

صاحب سینما همایون اصفهان (هویت نامعلوم) که کلیه میبایست
همه ماهه مبلغی در حدود ۷۰۰ / ۰۰۰ ریال از کلیمیان اصفهان جمع آوری و
به اسرائیل ارسال میدارد و قرار است این مبلغ را افزایش دهد .

ارزیابی : قابل تحقیق .

نظریه : -

۳۲۱

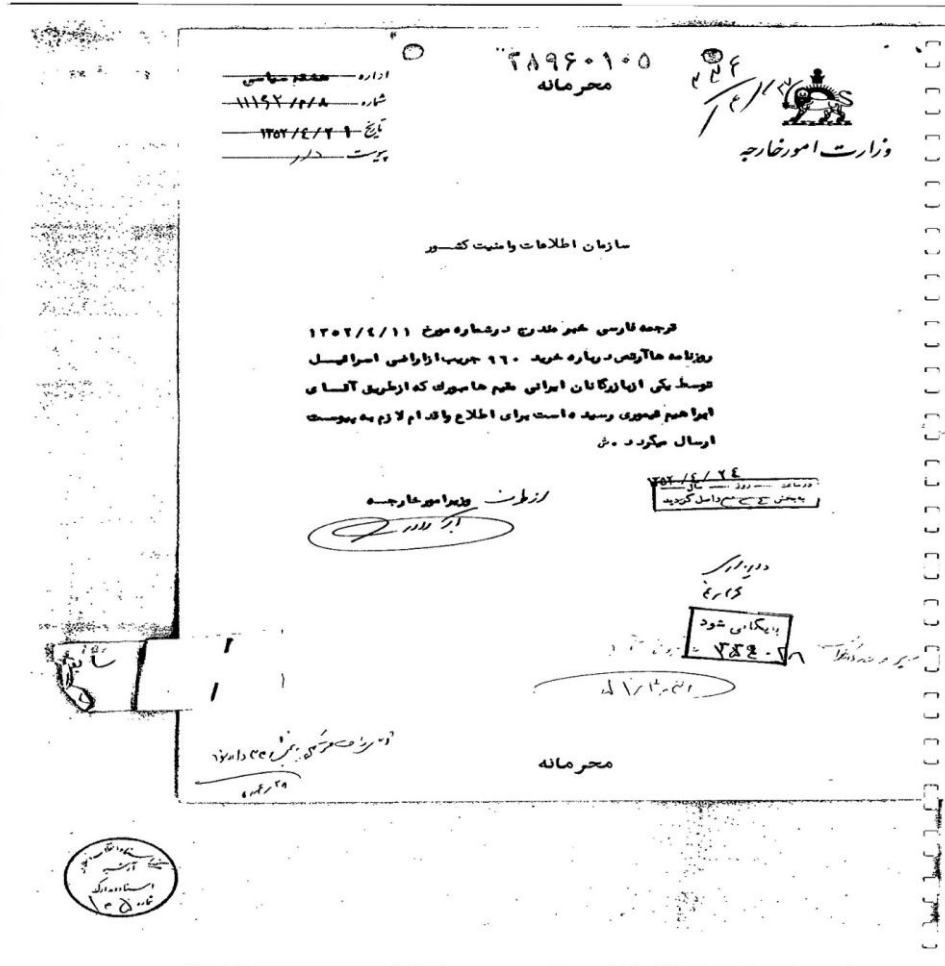
۲۰۲۰
رئیس کمیسیون

۲۴۴۹ / ۲۲ / ۲۰

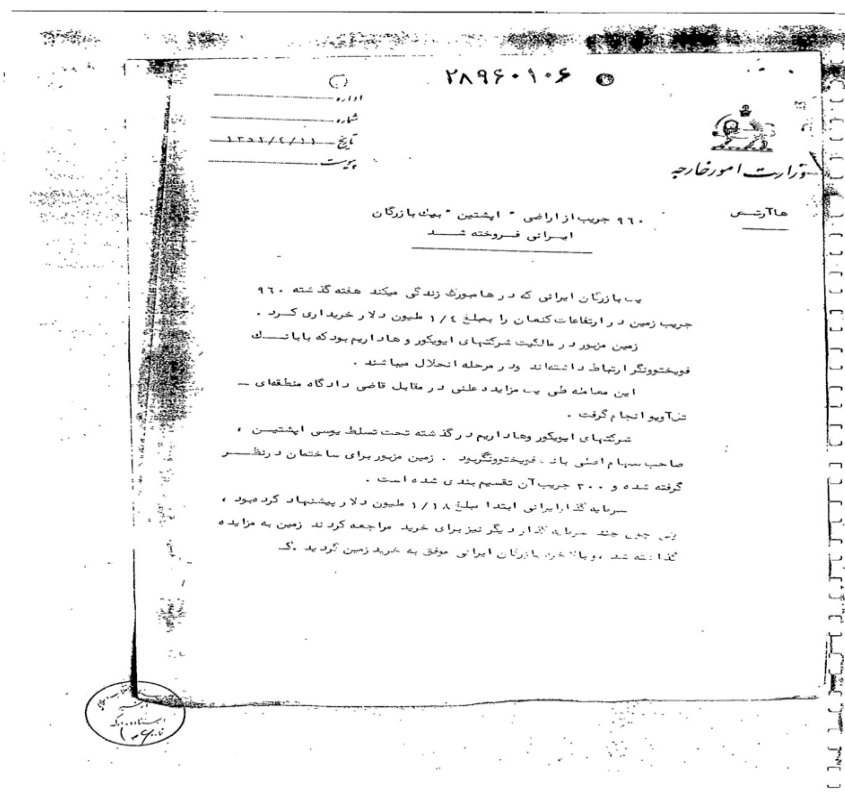
۷۸

سند شماره ۳:

گزارش ساواک درباره اقدام صاحب سینما «همایون» اصفهان در جمع آوری پول از کلیمیان
اصفهان و ارسال آن به اسرائیل.



گزارش ساواک از خرید ۹۶۰ جریب از ارضی ارتفاعات کنعان در اسرائیل توسط یکی از بازرگانان ایرانی مقیم آلمان به نام «بن پور شائولی» به منظور سرمایه گذاری در این کشور.



سند شماره ۶:

گزارش ساواک از حضور «معیر عزری» در تهران و جمع آوری ۲۵ میلیون دلار پول برای اسرائیل و در نتیجه بروز بحران ارزی و افزایش قیمت دلار در کشور.